

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۰ صفحه

# بیکار

دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ بها ۲۰ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

9861

iranische Bibliothek in Hameln

۳ صفحه جنبش کارگری

۶ صفحه خلق ها و مسئله ملی

۱۰ صفحه زبکراهای ضد انقلاب... (۵)

۱۶ صفحه دستگیری یک مبارز حرفه‌ای

۲۰ صفحه خلق می خواهد بداند...

بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه) بنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین

## لنین جاودانه است

بمناسبت تشکیل کنفرانس کشورهای اسلامی :

بیاد داشته باشید، دوست بدارید و بیاموزید... ایلیچ را، آموزگار ما، پیشوای ما را (ی-استالین) صفحه ۱۳

آمریکا زیر پرچم "الله"  
"پیمان اسلامی"  
دوباره احیا میشود!

هیئت حاکمه، به زحمتگشان به جای مسکن، گازاشک آور و گلوله میدهد!

صفحه ۵

صفحه ۹

## جنگ قدرت، رسوایان را رسوا می‌کند

مدنی توسط دانشجویان پیرو خط امام افشا میشود  
امانه برای خلق بلکه برای حزب جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

## مروری بر انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری سرانجام بد پایان رسید، آنچه که در طی این مدت در صحنه مبارزات انتخاباتی بوقوع پیوست، همچون آبندهای موقعیت و چهره نیروهای درگیر در قدرت حاکم را بنمایان سازد، و صف بندی نیروها را ابعا در روشنتری بخشد. شرکت بیش از ۱۲۰۰ کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری، ناشیگری هیئت حاکمه را در امر قدرت‌مداری و اداره دستگا ه قدرت سیاسی بنمایان گذاشت. این مسئله در قیاس با موارد مشابه آن در دیگر نقاط دنیا، بقیه در صفحه ۲

## اصلاحات ارضی امپریالیستی: راه‌گشای توسعه سرمایه داری وابسته

صفحه ۷

## بنی صدر در مقابل حقوق خلق‌ها

صفحه ۱۹

دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰۰ نفر کارکنان مبارز چوکا سرپرست کارخانه را به عقب نشینی واداشت

صفحه ۳

کارگران  
مضایع فولاد یک  
هرکت وابسته  
به امپریالیسم را  
ملی اعلام کردند

صفحه ۳

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## جنگ قدرت، رسوایان را رسوا نمیکنند

همانطور که تا حدی دیده ایم، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سودکده‌ها و حضرات به معرفی یکدیگر نشسته، و گرنه تا آنجا که به مردم مربوط می‌شود، گویی توده‌ها حی ندانند، پیش از این بی‌بها هیت مدنی‌ها، بهشتی‌ها و همپالکی‌ها شان کدا هرمیای اساسی قدرت را در دست دارند، ببرند. اکنون که هرکسی، با بهترین‌گوئی هر جناحی سعی بر آن دارد که مواضع اصلی قدرت قانونی را در دست بگیرد، البته آستانه دوما درک خیانتکاران بگرمی آید، آنهم نه همه استاد، که در صورت روشن شدن ممکن است پای افشا کنندگان را هم بگیرد، بلکه تا آنجا و فقط تا آنجا که در جهت تامین منافع مهم‌ترین قطب قدرت حاکم، یعنی حزب جمهوری اسلامی باشد. مدت‌هاست که مردمی پرسند چرا هیئت حاکمه در طول نزدیک به یکسال حکومت خود، کوچکترین قدمی در راه انضام آستانه دوما درک خیانت‌رژیم بهلوی و معرفی مزدوران امیربالیسم، در هر رنگ و لباس، بر نداشتند؟ جراحی لیست اسامی ساواکیها را منتشر نکرده‌است؟ جراحی بکسی از قراردادهای اسارت را امیربالیستی را که تعدادشان به اعتراف خود رژیم، بالغ بر یک هزار است، افشا نکرده است؟

البته مردم اینک در مقابل این جراحی‌ها و هزاران جراحی دیگر از این قبیل، تا حدی جواب خود را یافته‌اند، اگر آستانه دوما نتواند این مزدوران امیربالیسم افشا می‌کند، مگر توده‌ها اجازه می‌دهند که این خائنین به خلق همچنان در مسند قدرت باقی بمانند؟ در این میان حزب جمهوری اسلامی به برکت در اختیار داشتن مواضع کلیدی در امور کشور و اینک بسیاری از آستانه دوما درک یا دشمن در دست آنهاست، از موقعیت برتری در افشای همپالکی‌ها پیش‌برخوردار است. مدنی جلا و تا وقتی که جوانان عرب‌را به جوخه‌های اعدام می‌سازد، دست نیرومند امام است، لیکن آنجا که دیگر این "دست نیرومند" برای حزب جمهوری اسلامی به "شاخ" تبدیل می‌شود، البته که باید آنرا شکست. چنین است که وابستگی این جلا و به آمریکا در دست یک روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری از برده‌میران می‌افتد. از طرف دیگر "دانشجویان بی‌روخت امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از آستانه دستری دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای سطوری از آنها می‌پردازند که صرفاً در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و پاندهای حاکم بر کشور باشد. از این قبیل بود افشای مدنی جلا در هفته‌ای که گذشت. کسی نیست از این جوانان "افشاگر" سپرسد که حرا تا حال در مورد این جنایتکار رسکوت کرده‌بودند؟ امولا چرا کلیه آستانه دوما درک موجود در اسواخانه آمریکا، بیکجا در اختیار رعموم گذارده نمی‌شود؟

جالب اینجاست که این دانشجویان "افشاگر" در مقدمه افشای مدنی گفته‌اند که این افشاگری بنا

بر اساس ریاست جمهوری در حقیقت کام آخر برای قانونی شدن حکومت بود. کسانی که امروز مواضع اصلی قدرت سیاسی را در دست خود دارند، البته می‌خواهند در ترکیب حکومت قانونی آستانه جای مناسبی را اشغال کنند. بنا بر این می‌بینیم که چگونه رئیس‌جمهوری در مسئله‌ای بسیار مهم برای جناح بندی‌ها موجود در هیئت حاکمه تبدیل می‌شود. هرکس یا هر جناحی کوشش می‌کند، این بست کلییدی را از آن خود کند. از طرف دیگر حاکمه ما در بحران عمیق است و اوضاع نابسامانی را پشت سر می‌گذارد. خواسته‌های اساسی توده‌ها همچنان از طرف هیئت حاکمه بلا جواب مانده‌است و توده‌ها روز بروز برای گرفتن حقوق خود کوشش می‌کنند و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند، توده‌ها مبارزه با امیربالیسم را تا به آخر یعنی تا نابودی کامل سلطه و نفوذش می‌خواهند. مسئله سیکاری، حقوق ملی خلقها و مهم‌تر از همه سرمایه‌داری وابسته همچنان در مقابل توده‌ها عرصه اندام می‌کند. اوضاع نابسامان اقتصادی کشور با روشی که هیئت حاکمه در پیش گرفته‌هم - حنان رفع نشدنی باقی مانده و خواهانند، طبیعی است که این مسائل همگی در موقعیت حناچه‌ای حاکم

● "دانشجویان بی‌روخت امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از آستانه دستری دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای سطوری از آنها می‌پردازند که صرفاً در خدمت جناحی از روحانیون و پاندهای حاکم بر کشور باشد.

● چگونه حزب جمهوری اسلامی با کمتر از یکسال سابقه "فعالیت"، دشمن دیرینه "آمریکا" از آب در می‌آید!

تا تیر می‌گذارد، اگر تا دیروز قدا انقلابیون و خائنین حاکمی توانستند به آرامی در کنار هم دست در دست بکشد، حکومت کنند، امروز با توجه به مسائلی که عنوان شد و با توجه به اینکه حکومت در جهت قانونی شدن و به اصطلاح تثبیت شدن است، همانطور که می‌بینیم بجان هم افتاده‌اند و خود را در تقاب زچهره یکدیگر برمی‌دارند. در واقع در این جنگ قدرت، رسوایان رسوا تر شده و توده‌ها هر چه بیشتر با ما هیت واقعی هیئت حاکمه آشنا می‌شوند. آنها اکنون از "هول حلیم" نه فقط خود، که در قیابشان را نیز در "دیگ می‌اندازند"! دزدان‌های آید، آید، آید، آید، سر - داده‌اند، قطب زاده، بنی صدر و حبیبی را دزد می‌خواند. سنی صدر حزب جمهوری اسلامی را دروغگو و توطئه‌گر می‌داند. این حزب خلق الساعه، مدنی را بعنوان فرد وابسته به آمریکا معرفی می‌کند، فارسی از توطئه‌چینی سنی صدر می‌نالند، حوزه علمیه قم و "جامعه روحانیت مبارز" وارد جنگی آشکار می‌شوند و اخیراً شیخ علی‌تهرانی نیز خواهان افشای روابط بهشتی‌ها با آمریکا شده است.

بقیه از صفحه ۱

مروری بر...

آنچنان مضحک بود که سردمداران رژیم نیز خود سس از مدنی به آن بی‌برند و در صد "رفع" آن برآمدند. اما بخاطر بی‌توانی ناسنگری خود، مطابق معمول به عامل "توطئه آمریکا" متوسل شدند! در پی این جریان تعداد دکان‌ها با ایجاد مانع "قانونی" که سپس یافت و به تعداد معدودی که عمدتاً از چهره‌های شناخته شده رژیم بودند، منزل یافت.

حوادث و رویدادهای که در عرصه مبارزات انتخاباتی بوقوع پیوست و تلاطمی که در صحنه سیاسی کشور پدید آمد، بخوبی وضعیت درهم‌ریخته و نابسامان درونی رژیم را نمایان ساخت و نشان داد که تا حدی حد این وضع شکننده و نا پایدار است. در این صحنه و تحت تاثیر حوادث رخ داده، نکات فهای درونی قدرت سیاسی حاکم، با زهم ابعاد عمیق‌تر و روشن‌تری بخود گرفت و بحران درونی آن هر چه بیشتر افزایش یافت، بخصوص زمانی که مسعود رجوی از سوی نیروهای دمکرات و مترقی برپا به یک حمایت وسیع توده‌ای پا به عرصه مبارزه انتخاباتی نهاد.

صحنه مبارزه انتخاباتی در عین حال صحنه فضا حها و رسوا شیبای پی در پی رژیم و جناح‌های مختلف درونی آن نیز بود. بذیرش رسمی مسعود رجوی بعنوان کاندیدا، از سوی وزارت کشور "مقامات مسئول" و بقول ضمنی خود آیت‌الله خمینی و سپس راندن او از این صحنه پس از مشاهده نیروی عظمی که در پشت سر این کاندیدا متمرکز گشته بود، عدم دخالت و اظهار نظر آیت‌الله خمینی در امر انتخابات و صرف نظر کردن از حق "ولایت فقیه" خود را بتصدای مبارزات انتخاباتی و اندکی بعد زیر پانها دن این امر و ما در شن "فتوا" و امر "فقیه" از سوی او بمنظور حذف مسعود رجوی از مبارزه انتخاباتی با باند بازی حزب جمهوری اسلامی در جریان معرفی جلال - الدین فارسی وزیر پانها دن همان ضوابط و قوانین که در "مجلس خبرگان" خود به تصویب رسانده بودند در این جریان و در پی آمدن اختلافاتی که میان روحانیت بوجود آمد (اعتراض شیخ علی‌تهرانی به رهبران "حزب" و...) نمونه‌هایی از این رسوا شیبای و فضا حتها در طول تدارک انتخابات بود، رسوا شیبای که خود پیش از پیش بردار منتهای قضا و بحران درونی رژیم جمهوری اسلامی ما افزود.

این رسوا شیبای، پیش از هر کس و جریانی دامن "حزب جمهوری اسلامی" را فرا گرفت و تا ثیرات بسزائی در کاهن‌سازیم بیشتر موقعیت و اعتبار کاذب آن در میان مردم باقی گذاشت. بطوریکه این "حزب" مجبور شد از معرفی یک کاندیدای مستقل، پس از برکناری فضا حها بار "فارسی"، منصرف شود. حتی دکتر آیت‌عوفعلی شورای مرکزی این "حزب" (و عوفسابق حزب آمریکا) "زخم‌کشان ملت ایران" به رهبری بقاشی) که در کشاکش برکناری "فارسی" و به پشتوانه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کناره گیری "فارسی" در انتخابات شرکت جست، به خود، از این "حمایت" برخوردار نگردد و همچنان منفرد و بی‌پشت و پنا ه باقی ماند! همین مسئله تفا دمیان این عضو

بقیه در صفحه ۱۵

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

## اخبار کوتاه کارگری

### زنجان - دستگیری نماینده مبارز کارگران پارس مینو

وزیری یکی از عناصر مبارز شورای کارگران کارخانه پارس مینوی خرمدره است که در طول مبارزات کارگران نقش فعالی داشته و از حمایت بیدریغ آنها برخوردار می‌باشد. عوامل هیئت حاکمه ضد خلقی که تا کنون بارها کینه و نفرتشان را نسبت به کارگران آگاه و مبارز پارس مینوی و دستگیری آنها نشان داده‌اند، چندبار تصمیم می‌گیرند و وزیر را دستگیر نمایند (مثل تابستان گذشته) اما بدلیل محبوبیت زیاد وی در میان کارگران و ترس از عکس العمل آنها موقتاً از این کار خودداری می‌کنند.

عوامل هیئت حاکمه مدتی قبل وزیر را در حالیکه در خانه‌های مهمان بود، هنگام شام خوردن دستگیر می‌کنند. فردای آن روز وقتی خبر دستگیری وی بگوش کارگران می‌رسد، همه آنها دست از کار می‌کشند و نه تنها اعتراض به دستگیری نماینده‌شان در حدود ۱۰ ساعت حاد اعلامی تهران - تبریز را می‌بینند. خصم - سبباً زیبا و پیرونده ساز زیبا ی عوامل مزدور علیه وزیر می‌نویسند و کارگران را که در زندگی و مبارزات روزمره‌شان همیشه وراکتار خود دیده بودند، فریبند.

اعتصاب و اعتراض کارگران حدود ۳ روز ادامه می‌یابد ولی وزیر همچنان در محس میماند. سرانجام ۵۰۰ نفر از کارگران به قم رفته و ۱۵۰ نفر نیز در کارخانه دست‌نهاد اعتصاب می‌زنند. در قم یک نفر نماینده ظرف دفتر امام و یک نفر مهندس از ظرف بقیه در صفحه ۴



### کارگران صنایع فولاد یک شرکت وابسته به امپریالیسم را ملی اعلام کردند!

های وابسته توانستند همچون گذشته با استثمار و غارت و حقیقتاً کارگران آگاه دهند. کارگران مجتمع صنایع فولاد از اولین دسته کارگرانی بودند که هنگام مبارزه علیه رژیم وابسته شاه با دشمنان دست به عصا زدند و در شهرها و از تظاهرات سرپا کردند. این کارگران سعادتاً مبارزه خود را علیه شرکتی وابسته به امپریالیسم آگاه دادند. در مقابل این حرکت کارگران، هیئت حاکمه نیز با دستگیری و اخراج کارگران مبارز همچون "حسن بابادی" و "خیرالله حسنوند" کینه خود را نسبت به آنها و حمایتش را از سرمایه‌داران ستم‌ساز گذاشت. طی چند روز گذشته مبارزه کارگران این مجتمع (این کارگران در استخراج شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می‌باشند) برای مجتمع صنایع فولاد کار می‌کنند، شکل تازه‌تری پیدا کرده است. آنها این بار با عملیات نشان دادند که دیگر امیدشان را به هیئت حاکمه زده‌اند. روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران فاسترویلر - تهران جنوب با درگیر کردن و تعطیل همسنگی را نشان دادند.

بقیه در صفحه ۴

در حالیکه هیئت حاکمه در حرح و دم زمار زده صد امپریالیستی می‌زند ولی در عمل قدم‌هایی بر نداشتند و حتی اعمال انقلابی کارگران و زحمتکشان را در این زمینه محکوم و "فدا نقلابی معرفی می‌کنند. کارگران صنایع فولاد عملاً علیه سرکشی‌های وابسته به امپریالیسم، دست به مبارزه زده‌اند. H.Y.L در مجتمع صنایع فولاد چندین شرکت وابسته به امپریالیسم، مانند کورف، لورگی، سوفا ساید، مسول بکار هستند که از طریق بیما نکاری بی‌ثباتی مانند فاسترویلر و مانا و... نیروی انسانی مورد نیاز خود را تامین می‌کنند.

نقش این شرکتی و بیما نکاریها غارت دسترنج کارگران و مکیدن خون آنها است. مثلاً اگر شرکتی مانند کورف به هزار تن کارگر احتیاج داشته باشد، خودش مستقیماً کارگر استخدام نمی‌کند، بلکه از طریق بیما نکاری فاسترویلر - تهران جنوب به این کار اقدام می‌نماید. آنچه در این میان نصیب شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می‌گردد، دسترنج غارت شده کارگران است. از آنجا که پس از تمام بهمن ماه هیئت حاکمه در جهت لغو قرار دادهای امپریالیستی اقدام می‌نکند، این شرکتی و بیما نکاری -

### دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰۰ نفر کارکنان مبارز "چوکا" سرپرست کارخانه را

#### به عقب نشینی واداشت

که در قطعنا مذکور شده اقدام نماید اما با ربا سی - تفاق مدیریتی روبروی بود. تا اینکه روز ۵۸/۱۰/۲۲ کارکنان بصورت یکجا رخصت از کار می‌کشند و مقابل دفتر مدیریت عمل متحین می‌شوند. در این موقع نمایندگان شورای کارکنان ساکروگان گرفتن سرپرست کارخانه از او می‌خواهند که خواهی ستهای آنها یا سخ دهد. سرپرست کارخانه که با سخگوشی به خواهی ستهای کارگران در ما هیتش نیست و جز بهنگا ما تا توانی حاضر به عقب نشینی نمی‌شود. بدست و با افتاده و با تلفن به شورای انقلاب، دفتر امام، دفتر مرکزی در تهران و نماینده ما در انزلی از آنها برای رها شدن خود کمک می‌طلبید. ما آمدن نماینده اما ما ابتدا کارکنان مبارز به سحنات نس کوس می‌دهند، اما وقتی می‌بینند قدم در ستهای آنها را دارد، فریاد می‌کنند: "مفا دظننا ما حرا" باید گردد، اما می‌سواکی افشاء با یگردد".

بقیه در صفحه ۴

پس از این در بیجا ۳۵ گفتیم که کارگران و کارمندان مبارز چوکا (صنایع جوب و کاغذ ایران) در اجتماع عظیم روز ۵۸/۹/۱۹ خود مدیریت کارخانه و استانداری کلیان را افشاء کرده و از آنها در مورد اعمال فدکارگریشان (مانند انحلال شورا و دستگیری بکشی از اعضا آن) توضیح خواستند! در همان احتشاج کارکنان با صدور قطعنا مه ۱۴ ماده‌ای خواستار اخراج افراد مسلح (نیروی ویژه) از کارخانه، اخراج افرادی که با ربا سی و سفاکی مدیر عمل به اصطلاح انقلابی و اسلامی سرکار گذاشته شده‌اند، افشای لیست ما و اکسها، برداخت تفاوت حقوق کارکنان و... می‌شوند. آنها برای انجام خواهی ستهای خود بکما به مدیریت کارخانه مهلت می‌دهند. چند روز مانده به پایان وقت تعیین شده، شورای کارکنان به سرپرست اخطار می‌کنند که برای اجرای خواهی ستهای

### عوامل هیئت حاکمه و کارفرما دست در دست هم علیه کارگران توطئه می‌کنند

#### گزارشی از کارخانه "قرقره زیبا"

کارگران کارخانه قرقره زیبا که در عمل دریا فته بودند شورای کارخانه‌شان، بک شوری تحصیلی است که بیشتر برای کارفرما تلاش می‌کنند تا کارگران، از آن قطع امید کرده و خود برای رسیدن به خواهی ستهای شان دست به مبارزه می‌زنند.

از طرف دیگر عوامل کارفرما که نا هدا و ج گیری اعتراضات کارگران هستند، از ترس اینکه آنها خود دست به ایجاد دشواری واقعی بزنند، برای بیرون کردن مکرر ستن شورا از سرکار کارگران و با استفاده از بدبینی آنها نسبت به شورا، کارخانه روز سه‌شنبه ۵۸/۱۰/۲۵ انحلال آشار اعلام می‌کنند.

در این میان کارگران آگاه و مبارز که از این توطئه آگاه شده بودند، دست به افشای زده و به بقیه کارگران گوشزد می‌کنند با بدبجای شوری بقیه در صفحه ۴

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ دستگیری ...

وزارت کار رینما مغفوری برای حل موضوع تعیین میبوند. (این خبر از اعلامیه "گروه یاران صمد" زنجان نقل شده و از نتیجه اعتبار تاکنون اطلاعی بدست نرسیده است.)

### نهران - کارگران بافکارو شورای ضد کارگری آن

شورای کارخانه چیت سازی نهران که در ابتدا مورد حمایت کارگران بود، اینک با گذشت زمان و روشن شدن ماهیت ضدکارگری در پیش نه تنها دیگر بسین کارگران آن جانشینان را رد، بلکه آنها خواستار انحلال آن هستند اگرچه در این شورا عناصرا صرمبارزی هم عضویت دارند، اما وجود افراد ضدکارگری چون صفرا در بیلی، غربال بندوا زهمه مهمتر علی محمد عرب در آن، شورا را عملا به چماق سرکوب "احمد سالم" مدیرعامل کارخانه تبدیل کرده است.

کارگران انتظار دارند که شتند که شورای مذکور در مورد خواسته های آنها مانند ۴۰ ساعت کار در هفته، دفترچه خدمات درمانی و... پیگیری کند اما این شورا به هیچیک از خواسته های کارگران توجهی نداشت تا اینک بدنبال افشاگریها می که کارگران آگاه و مبارزان کارخانه در باره احمد سالم و عناصرا ضدکارگری خود فروخته شورا انجام میدهند، روزیکشنبه ۱۰/۱۰/۴۰ حدود ۲۰۰ نفر از کارگران از شورا میخواهند که هر چه زودتر برای پاسخگویی به مسوالات کارگران، مجمع عمومی تشکیل دهد. شورا که میداند تشکیل چنین مجمعی در حقیقت حلسه خدا حافظی خواهد بود، ابتدا طفره میبرد، اما سرانجام در برابر فشار کارگران تسلیم شده و تشکیل مجمع عمومی را می پذیرد. پس از این مسئله گروهی از کارگران در کارخانه دست به تظاهرات میزنند، آنها شعار میدادند: احمد سالم اخراج باید گردد، بنجستبه ها تعطیل باید گردد، نیروی ویژه افشاء باید گردد، شورای قلابی منحل باید گردد، شورای واقعی ایجاد باید گردد.

بقیه از صفحه ۳

عوامل هیئت ...

قبلی که منحل اعلام شده و اعضای آن از بالا توسط کارفرما و دولت تعیین شده بودند، شورای دیگری ایجاد شده که اعضای آن نمایندگان واقعی کارگران باشند. به این ترتیب کارگران مبارزمی کوشند با ادامه افشاگری ها به خواسته های اساسی کارگران در رابطه با ایجاد شورای واقعی جهت دهند و توطئه های کارفرما و عواملش را خنثی نمایند. سرانجام کارگران تصمیم می گیرند که روز بعد در کارخانه مجمع شوند و برای انتخاب نمایندگان واقعی شان اقدام کنند. روز چهارشنبه (۵۸/۱۰/۲۶) با وجود توطئه ها و کوششهای سرپرستها و نگهبانان کارخانه برای کشاندن کارگران به سرکارشان و بی اهمیت جلوه دادن وقایع روز قبیل، آنها حاضر نمی شوند بیش از آنکه انتخابات شورا سرکارهایشان بازگردند.

بقیه از صفحه ۳

دستهای متحد ...

کارکنان آنشب تا صبح سرپرست ضدکارگری کارخانه در اطاق خودش نگه داشته و خود به تحصن ادا می دهند. فردای آخروز استادان رگستان و نماینده اما مدرست یکمک مدیرعامل می آیند. اینبار رنیز استادان را از "مبارزات" خویش و اینکه خاندانها را از ابتدا کارگرفته اند... دم زده و سعی میکنند که در این موقع تعدادشان به هزار نفر می رسد و بیعت برقی بودن هواداران کارخانه جمع شده بودند، مرتب شعار می دادند و طی آن خواستار اجرای مفاد قطعنامه و افشای لیست ساواکیها می شدند. سرانجام استادان را، نماینده اما موسر پرست کارخانه که با حیل و فریب نتوانستند کاری از پیش ببرند، دربار بر ۵۰۰۰۰ انسان بکار چده و متحد تسلیم و مجبور به عقب نشینی می شوند. آنها با امضاء صورتجلسه ای تضمین می کنند که:

۱ - ما به افتخارات حقوق کارکنان تا آخر بهمن ماه

بقیه از صفحه ۳

کارگران ...

آنها پس از راهپیمایی و تظاهرات که ضمن آن شعار می دادند: کارگریما نمی رسمی باید گردد. شرکت پیمانکاری ملی باید گردد. پیمانکار، پیمانکار، شریک امپریالیسم کارگر، کارگر، دشمن امپریالیسم و... مقابل دسترما سترویلر - نهران جنوب اجتماع کرده پس از این کشیدن تا بلوی "کنسرسیوم فاسترویلر - تهران جنوب" بجای آن تا بلوی "شرکت ملی پروژه ای" را بالا بردند. این کارگران در اجتماع خود اعتماد کل کارگران فاسترویلر را اعلام کرده و خواسته های خود را بصورت زیر بیان داشتند:

۱ - لغو قرار داد بین فاسترویلر - تهران جنوب

برداشت شود

۲ - شورا امراتنظارات کارخانه را بعهده بگیرد و اقدام مسلح کارخانه را ترک کند. ۳ - دونفر از نمایندگان با مجوز نماینده اما م به بررسی پرونده های دادستانی انقلاب بپردازند ولیست ساواکیهای کارخانه را تهیه نماید. اجرای بقیه مفاد قطعنامه نیز در صورتجلسه تضمین می گردد. بدین ترتیب بار دیگر کارگران شکوه قدرت همبستگی و متسل را مشاهده می کنند. آنها بسبب از پیش درمی یابند که تنها راه وسلاح گرفتن حقوق با بمال شده شان یکبار چگی و تشکل است. در سایه همین اتحاد بود که وقتی شورا متوجه شد سرپرست کارخانه برای چیدن از مدیران که متفقا بیکی از آنها ارفعالین انجمن اسلامی بوده و قرار بود متفقا "فی سبیل الله" کار کنند، مبلغ زیادی اضافه حقوق زده، توانست احکام آنها را لغو کرده و این مدیران اسلامی را افشاء نماید. سرانجام اتحاد و همبستگی کارگران و کارمندان مبارز "جواک"

وسایع فولاد

۲ - رسمی شدن تمام کارگران پیمانکار موجود در مجتمع فولاد. ۳ - تمام کارگران پروژه ای ایران با سند زیرپوش یک شرکت ملی پروژه ای" قرار بگیرند تا هنگام میبکاری از "حق بیمه میبکاری" استفاده کنند. ۴ - تمام کارگران پروژه ای باید از مزایای یک شرکت ملی در ایران بهره مند شوند. کارگران فاسترویلر - تهران جنوب اعلام کرده اند که اگر به خواسته هاینا رسیدگی نشود به شیوه های دیگر مبارزات دست خواهند زد. در ضمن کارگران مبارز شرکت "مانا" و "مانیس سازی بارس" از مبارزه این کارگران پشتیبانی کرده اند! گسترده تر با دمبارزه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی کارگران و زحمتکشان! مستحکم با دپیوند و همبستگی کارگران!

در این هنگام "بکا" رئیس کمیته "دبو" که کارش سرکوب اعتمادات و مبارزات کارگران است، با عده ای با سدا ر مسلح و همراه یک افسر و چند استواریه کارخانه می آیند. "بکا" می کوشد با تهدید کارگران آنها را به سرکارشان بازگرداند و در حالیکه وانمود میکند هرکاری از دستش برمی آید می گوید: تا نمایندگان شورا را انتخاب کردیم، ما شورا را تشکیل دادیم و خود ما هم هر وقت بخوایم آنها را منحل می کنیم. او با حرفهای ناشیانه اش نشان می دهد که کارگران به هیچوجه در شورای قبلی نقشی نداشته اند. در این موقع کارگران مبارز دست به افشای "بکا" می زنند. آنها در حضور کارگران ثابت می کنند که بکا می هانده تنها در پی منافع کارگران نیستند بلکه تلاش می کنند تا با سرکوب مبارزات آنها منافع دولت و کارفرما را تامین کنند. این افشاگریها آنچنان متواتر می شود که بکا نمی تواند

تحمل کند و بنا را راحتی همراه با سدا را نشان کارخانه سیرون می رود. پس از رفتن بکا، اسیری که همراهش بود به میان کارگران می رود و با حربه زبانی و وعده های شیرین از کارگران می خواهد که خود را سدا نشان را نوشته و به او بدهند تا براسان آنجا بدهد. بسا وجودیکه عده ای کارگران آگاه کوشیدند اما هیئت واقعی چنین عناصری را برای سقیه توضیح بدهند ولی بطلت عدم آگاهی و نبودن هماهنگی در بین کارگران، امر مذکور موفق می شود صورت خواسته های کارگران را بگیرد و در حالیکه تعدادی از آنها را مردود بخود میدارد و رگ کرده بود کارخانه را ترک کند. برای کارگران آگاه واضح بود که دادن خواسته به آن افسر و چشم میدبدها و دوحتن کار را شتابی است. زیرا این عمل یعنی کارگران مبتوا نند غیرا طریق شورای واقعی خود، از راهی دیگر تیز به خواسته های بقیه در صفحه ۱۷

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

## هیئت حاکمه، به زحمتکشان بجای مسکن، گاز اشک آور و گلوله میدهد!

● گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه در خیابان آزادی، توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر

عده ای از زحمتکشان گود نشین جنوب شهر تهران روز جمعه ۵۸/۱۰/۲۸، دست بیک اقدام انقلابی زدند و در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر، ساختمان خالی ۹ طبقه ای را که در خیابان آزادی، جنب خیابان جمالزاده قرار دارد و متعلق به سرمایه داران بزرگ می باشد، تصرف کرده و در آن ساکن شدن تا سرسناهی برای حفاظت خود و فرزندان نشان از سرمای زمستان داشته باشند. همزمان با این عمل انقلابی، عده ای از دانشجویان و سایر مردم در محل جمع شدند تا ضمن اعلام پشتیبانی از ساکنین جدید ساختمان، در مقابل توطئه های عوامل سرمایه دار و حمله احتمالی با سداران از زحمتکشان حمایت کنند. طولی نکشید که با سداران کمیته خود را به آنجا رسانیدند و علاوه بر تیراندازی هوایی با برتا با گاز اشک آور سعی کردند مردم را از ساختمان بیرون کرده و همه را متفرق سازند. صحنه ای که آنها بوجود آورده بودند هر شخص ناظری را بی اختیار بر یاد سال پیش در همین ایام و اعمال وحشیانه مزدوران رژیم می انداخت که خیابانها را ملوایزگاز اشک آوری ساختند و صدای رگبار مسلسل آنها گوش مردم را گرمی نمود، اما هر چه با سداران بر شدت خونت خود می افزودند، شمارهای مردم و جمعیت انبوه زیر ساختمان کوبیده ترورسار تمیشد. بطوریکه با پرتاب گاز اشک آور و شمارها به صورت "پاسدار کمیته، حامی سرمایه دار"، "مرگ برحامی سرمایه دار"، "اقدام گود نشینان مورد تائید ما است" درآمد.

زحمتکشان درون ساختمان در حالیکه پلاکاردی با مضمون "حق گرفتاری است، نه دادنی" را بدیوار چسبانده بودند شعاری دادند: "مسکن، مسکن نیاز مبرم ما است، این خانه های خالی، حق مسلم ما است" یا "گود نشین بیروز است، کاخ نشین نابود است" و.....

پاسداران که با عزم راسخ مردم روبرو شده بودند بناچار ساعت ۷ و بیست دقیقه بعد از ظهر آنجا را ترک کردند. اما دوساعت بعد مجدداً سر و کله آنها که مسلح و مجهز تر نبودند پیدا شد. بلافاصله خیابان های اطراف ساختمان را بستند. اینبار پاسداران تنها نبودند بلکه عده ای جوانان نا آگاه و تحریک شده و تعدادی از زمین هائی را که همیشه ما مورث برهم زدن نظارات و اجتماعات مترقی را برعهده دارند نیز با خود آورده بودند اینان شعاری معروف و همیشه خود را مانند "حزب فقط حزب الله، ... تکرار می کردند در حالیکه مردم داخل ساختمان فریاد می زدند: "جوون دادیم، خون دادیم، بیکار می نمکنیم" مردم بیرون از ساختمان با شعار "های اقام گود نشینان، مورد تائید ما است"، "گود نشین مستضعف، بیروزیت مبارک"، "اتحاد، اتحاد"

علیه سرمایه داران - جاسوسان آمریکا، حامی سرمایه دار و "سرمایه دار روزوازل نبوده، سرمایه دار حسی تراری بوده" و... از آنها حمایت می کردند. مردم بیرون از ساختمان شاهدشورا انقلابی زنان و مردان درون ساختمان بودند که با عزم راسخ خود تصمیم گرفتند سواران ابتدائی ترین حق مسلم خود را که داشتن مسکن است از سرمایه داران زالمصفت که از نیمه ویلاها و ساختمان های لوکس را از دسترنج زحمتکشان درست کرده اند، پس بگیرند. آنها بدون توجه به سرمای بیرون ساعتها ایستادند و بعداً با همبستگی انقلابی خود را با زحمتکشان نشان دهند.

چند ساعت بعد (در حدود ساعت ۱ و نیم تا ۲ دقیقه شب) یک ماشین بنزینی که چهار نفر در آن نشسته بودند سرسوریا بلتندگوا اعلام نمود که: "من نماینده عملیاتی سید پاسداران هستم و از شما می خواهم جلوی ساختمان را ترک کنید". ولی زنان و مردان درون ساختمان از مردم درخواست نمودند که صفوف خود را فترده تر ساخته و متفرق نشوند. بهمین جهت جمعیت بیرون شعاری دادند: "می مانیم، می مانیم تا صبح می مانیم". نماینده پاسداران ضمن اینکه مجدداً از جمعیت می خواست متفرق بشوند به مردم درون ساختمان گفت قول می دهیم که ما مشرب را شما در ساختمان بمانید تا از راه قانونی (!) آیین ساختمان را بشما بدهند! این حرف بسیار مسخره بنظرمی آمد زیرا زحمتکشان در طی ماههای بعد از قیام تجربه خود در باره فتنه بودن که تنها با انکاب به نیروی خودشان و با شیوه های انقلابی قادر هستند حق خود را بگیرند و رژیم طاقتور به خوبی ثابت کرده است که تنها حامی و حافظ منافع سرمایه داران و زمین داران است و هیچ دردی را از زحمتکشان دوانخواهد کرد.

در مقابل اخطارهای مکرر پاسداران مبنی بر متفرق شدن هر چه زودتر جمعیت، مردم همچنان دستان خود را زنجیر و راهم گره زده بودند و با همبستگی فوق العاده ای شعاری دادند: "گود نشین، گود نشین، مبارز واقعی علیه سرمایه دار"، "کار برای همه، مسکن برای همه"، "گود نشین، گود نشین، اتحاد سلاح محکم ما است، اقام گود نشینان نبرد با آمریکا است"، "تا خون در رگ ما است، این خونه ها مال ما است"، "گود نشین، گود نشین، ما حامی توستیم" و گود نشینان درون ساختمان نیز فریاد می زدند "اتحاد، مبارزه ما دره - این است شعار گود نشین". در حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب پاسداران مجدداً دست بکار شده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. چپا رعد گاز اشک آور بیرون جمعیت پرتاب کردند بطوریکه برای خشی کردن اثرات آن مردم مجبور شدند بلا کارد های خودشان را آتش بزنند. جمعیت

شعاری داد: "پاسدار، پاسدار، نشان بده تو حامی کی هستی". پاسداران یکی از افراد جمعیت را گرفته و آنقدر کتک زدند تا بیهوش شد و آنگاه وی را بدون ماشین خودشان انداختند. شدت و غلظت گاز اشک آور بحدی زیاد بود که جز پاسداران که ماسک های ضد گاز زبر چهره داشتند، هیچکس جاشی را نمیتوانست ببیند. آنها از همین فرصت استفاده کرده و پیش از صد نفر را دستگیر کردند. آنشب علاوه بر ماشینهای کمیته های مختلف شهران، حتی ماشین زندان اوین را هم آورده بودند.

آنگاه پاسداران بیرون ساختمان ریختند تا زحمتکشان ساکن آنرا بیرون بپرانند، اما با مقاومت دلیرانه زنان و مردان روبرو شدند. حمله وحشیانه پاسداران، صدای شلیک گلوله و گاز اشک آور که در محیط پراکنده شده بود، کودکان را ببدت سرا سیمه کرده بود. آنها در حالیکه فریاد می کشیدند، از گوشه ای به گوشه دیگری دیدند. صحنه دلخراشی بود، پاسداران دست زنی را گرفته بود و بطرف درخروچی میکشید، زن شیون کنان کمک میخواست. در این هنگام شوهرش فریاد زد: "بزنم دست نزن، حال ما است!"

صحنه تهاجم بسیار شبیه حمله گارد های مزدور بود. خواگاران دانشجویان بود. آری، شب از نیمه گذشته بود و زحمتکشان که در پیروزی قیام بیشترین سهم را داشتند، اینک پس از گذشت بیش از یک ماه از آن بجای مسکن، گلوله و گاز اشک آور نصیبشان میشد و آنها که نه تنها در قیام نقشی نداشتند، بلکه همه کوششان محدود کردن دامنه آن بود، اینک در خانه های مجلل و راحت و گرم خود بیخیال خوابیده بودند. آنشب اگر چه تلاش پاسداران برای بیرون راندن زحمتکشان بجاشی نرسید ولی برای دادن گزارش سرکوبشان زیاد هم دست خالی نبودند. گذشته از دهها سیری که با خود بردند، "توانسته" بودند چند نفر را از فاصله نزدیک با گلوله زخمی کنند! فردای آنروز به غیر از ۷ دختر و دانشجو که به اشپام همدردی و همبستگی با زحمتکشان روانه زندان هیئت حاکمه با صلاح طرفدار مستضعفین شدند، بقیه آزاد گشتند.

☆☆☆

### در زمینه مصادره انقلابی آپارتمانها

#### زحمتکشان!

اقدام انقلابی شما در مصادره آپارتمان های خالی متعلق به سرمایه داران بزرگ مورد تائید و پشتیبانی ما و همه نیروهای انقلابی است. این اقدامات شما مضمون عمیقاً انقلابی داشته و مشخصاً یک مبارزه ضد امپریالیستی است زیرا که مستقیماً با گاه داخلی امپریالیستی سرمایه داری وابسته و بزرگ راه هدف نابودی خود قرار داده است. عملیات و اقدامات وحشیانه و ضد خلقی پاسداران ارتجاع به عنوان دستگاها می هیئت حاکمه ضد خلقی بر علیه شما زحمتکشان شبایستی شما را بقب برانسد. تبلیغات این نیروهای ارتجاعی و دستجات فاشیستی بقیه در صفحه ۸

# داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

# خلق‌ها و مسئله ملی



## پشتیبانی از متحصنین سنج

روزیکنسبه ۵۸/۱۰/۳۰ بدعوت دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان عده‌کنشیری از دانشجویان و دانش‌آموزان مردم‌مبارز تهران در میتینگی که سرای پشتیبانی از مبارزه دلیبرانسه مردم سنج و تحسن آنها در دانشکده صنعتی باسی- تکنیک تهران برپا گردیده بود، گرد آمدند و پشتیبانی قاطع خود را از خلق کرد از خواستها و شعارهای انقلابی آنان اعلام نمودند. در زیر قسمتی از پیام سازمان را که در این مراسم خوانده شد ملاحظه میکنید:

### هموطنان مبارز! دوستان و رفقا!

امروز مردم مبارز سنج و اردبیل در روز تحسن و اعتصاب سراسری مدارس، بازار، ادارات، برای اخراج باسداران که از عوامل مهم درگیری - های منطقه و ابزار رژیم در سرکوب خلق کرده‌اند، شده‌اند، مردم سنج، بحق میبایست کسانیکه همین دو سه ماه پیش بر سر خلق ما گلوله باریده‌اند، چگونه میتوانند امنیت ما را حفظ کنند؟ کسانی که وظیفه - شان باسرداری از نابرابری و ستم طبقاتی و ملی و شونیم فارس است، بچه دلیل حق حضور مسلحانه در میان خلق ستم‌دیده کردار دارند؟ و خلق کرد در سرتا سر شهرها و روستاهای کردستان از مردم مبارز سنج پشتیبانی میکنند و چنین است که امروز شهر قهرمان بیرو سنج به مرکز همبستگی و سنگرمستحکم این خلق قهرمان در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم تبدیل شده است ...

در بیان اعلامیه‌ی سازمان از آثار به‌تظا هرات سرتاسری در پشتیبانی از خلق کرد که به دعوت "ما موستا" شیخ عزالدین حسینی صورت گرفت و حمایت یکپارچه خلق کرد از مردم سنج و همچنین توطئه‌های سیاسی و تدارک نظامی رژیم علیه خلق کرد آمده است که:

تحسن مردم مبارز سنج تحسین خلقهای تحت ستم ما را برانگیخته است و همه توطئه‌های آگاه خلق و در اسارت کارگران و زمینکنان آگاه، بدان اهمیت بسیار قائلند، میتینگی نیز که امروز در اینجاست برگزار گردیده نشان همبستگی عمیق روشنگران انقلابی و توطئه‌های آگاه خلق با خلق قهرمان کرد است. ما از این فرصت استفاده کرده، به خلق کرد و بخصوص به مردم مبارز سنج که چنین مرکز همبستگی و یوندا انقلابی را بوجود آورده‌اند، درود میفرستیم و اعلام میداریم که در حد توان خود پشتیبان خواست‌های آنان هستیم.

برقرار باد خودمختاری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

مرکز بر امیرالیسم و ارتجاع گرامی باد یاد تمامی شهدای خلقهای اسران " سازمان پیکار در راه آزادی طبشکارگر "

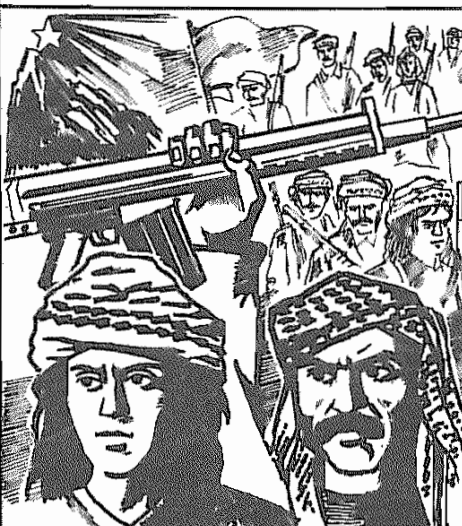
۱۳۵۸/۱۰/۳۰

## جلادان "قارنا" در تدارک توطئه‌های دیگر

● هنگ ژاندارمری نقده به همراه عوامل مزدور و فئودالهای سرسپردهای جون بهمن خان خسروی و عظیم معبودی که هردو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تا آرنج بخون اهالی نقده، "قارنا" و "کائی مام سید" فرو رفته است، کسانی که حتی توسط آقای بهادران (نماینده آیت‌الله خمینی) نیز رسوا شده‌اند همراه خان بزرگ منطقه، حسینقلی خان امیر فلاح و زیر نظر باند های آتش افروز رژیم (همچون چمران و ...) و با پول خلق تنگنچی جمع می‌کنند تا فاجعهای دیگر بیافرینند.

و همه جانبه‌ها را گناهی رژیم حاکم و فئودالهای منطقه بکشد. اما حنا نکه از سوا هدید است، رژیم حاکم تلاش برای جلب و سیخ توده‌های نا آگاه سلدوز به صف ضد انقلاب را شروع کرده و احتمال می‌رود که با مشارکت همکاران فئودالها و مالکین بزرگ اقدام به فرمی ضد انقلابی کرده و آب بر آتش مبارزه دهقانان برای مبارزه و کست ریشهای مالکین بزرگ بریزد و بدین طریق توده‌ها را از مبارزه ملی - شان منحرف نموده و آنان را در اردوگاه ضد انقلاب، بر علیه خلق کرد کرد آورد.

رژیم با استفاده از تضادی که بدینال جنگ خونین نقده بین توده‌های نا آگاه ترک و کرد منطقه ایجاد شد، بوسله عناصرا شش هر روزها تا یعه - پراکنی و تحریکات خائنا نه به بدبینی توده‌های ترک و کرد سلدوز نسبت میدهد و گردان میزند، آنها را آماده مبارزات و خونریزی مجددی نماید. اما این بار دانه توطئه نسبت به جنگ خونین نقده، توسعه یافته و عا ملان توطئه، نه تنها کردهای مقیم سلدوز، بلکه کل جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد را نشانه رفته‌اند.



متعاقب جنگ خونین نقده و سپس قتل عام ۷۵ تن از اهالی روستاهای قارنا و کائی مام سید، اینبار رژیم ضد خلقی حاکم بدینال شکست مفتضحانه‌اش در روستا به طرح توطئه جدیدی برای رودر و سرار دادن توده‌های نا آگاه ترک سلدوز (نقده و حومه) و خلق مبارز کرد دست یازیده است.

چندی است که سایل نیروهای ارتشی و ژاندارم و مهمات جنگی از پیران شهر، اشنویه و شهرهای دیگر بسوی نقده سرازیر شده و منطقه سلدوز را که ما سیمن شهرهای کرد نشین ما با دواشنویه، پیران و شهر واقع است به منطقه‌ای شبه نظامی تبدیل نموده است. از سوی دیگر هنگ ژاندارمری نقده به همراه عوامل مزدور و فئودالهای سرسپرده‌ای چون بهمن - خان خسروی و عظیم معبودی که هردو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تا آرنج بخون اهالی نقده، قارنا و کائی مام سید آغشته شده و کوس رسوایشان حتی توسط نماینده خمینی (آقای بهادران) نیز در سرتا سر ایران شواخته شد، با یکی دیگر از فئودالهای بزرگ منطقه با هم حسینقلی خان امیر فلاح و بدستور باند های آتش افروز رژیم و بسا سوادجای که توسط دولت در اختیار آنها قرار داده است، اقدام به استخدام سدها مزدور با سم جوا نمد و مجاهد کرده و با تسلیم آنان نیروی بزرگی را برای سرکوب جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد فراهم آورده‌اند.

این سه عنصر خائن "عظیم معبودی، بهمن خان خسروی و حسینقلی خان امیر فلاح" مورد عنا ست رژیم که تشنه قدرت از دست رفته فئودالهای پیشین هستند بدلیل ماهیت ضد خلقی خود و برای رسیدن به این قدرت و سرکوب توده‌ها از هیچ تجاوز، خونریزی و قتل عام توده‌های زحمتکش کرد و ترک اپا نکرده و جدیسا کفجایی خونین ترا از جنگ نقده و قتل عام قارنا و کائی مام سید را تکرار خواهند کرد.

اینان در شرایطی خود را برای سرکوب توده‌ها آماده میکنند که هر روز موج نارضایتی توده‌ها از گرانی، بیکاری، مزاحمتها و باسداران و ... فرو - نی می‌یا بدومی رود که توده‌ها را بمبارزه‌های وسیع

برقرار باد خود مختاری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

## اصلاحات ارضی امپریالیستی: راه گشای توسعه سرمایه داری وابسته

بمناسبت ضد انقلاب  
ششم بهمن شاه و کندی:

سوم بهمن امسال یادآور کندی ۱۷ سال از "فراندام" طرح امپریالیستی "اصلاحات ارضی" است. در آن سال پانزده ماهه، نازها، ضرورت‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی سرمایه‌های امپریالیستی از نقطه نظر توسعه، نفوذ، حضور و عملکرد سرمایه‌های امپریالیستی در اقتصاد کشور وابسته ما ضرورت رفع امپریالیستی را فراهم آورده بود.

دوره سرمایه داری و دور کار لاهی امپریالیستی توسعه با زیر برداشتن تمامی موانع اقتصادی - اجتماعی، رشد مناسبات سرمایه داری در تمام ۲۷ استان پذیرفته شده بود. امپریالیسم آمریکا به دنبال رشد یک دوره نمودن در ایران از جنگ دوم به این طرف بویژه از کودتای خائنانه ۲۲ سال با توسعه مناسبات سرمایه داری که در خدمت سرمایه‌های امپریالیستی بود، با مناسبات فئودالیستی، فئودال‌های بزرگی که عمدتاً با یکاها احتماعی - سنتی امپریالیسم انگلستان در کشور ما بود، در تضاد قرار داشت. پس از یک دوره درگیری آشکار بین نیروهای ارتجاعی حاکم ایران، امپریالیسم آمریکا طرح "اصلاحات ارضی" را که اساساً با سخوی نیا زها و منافع سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا بود و سلطه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی آنرا بر زمین‌ها تا مین میگردونست همان ماسین دولتی وابسته به امپریالیسم و بدست همان نمایندگان امپریالیستی و ارتجاع داخلی بد اجراء در آورد.

قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ که مفاومت توده‌ای به ویژه توده‌های خرده بورژوازی سپه‌دربار این تهاجم ضد خلقی امپریالیسم و عمل ارتجاعی بوده اعتبار خیانته بورژوازی ضد انقلابی و نوانوسی و ضعف سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی خرده بورژوازی، فقدان حضور و نفوذ فعال سازمان‌های انقلابی و بی سازمانی و برآکنندگی توده‌ها بر سرعت توسط ارتجاع سرکوب شد. ارتجاع با غلبه بر بحران اقتصادی و سیاسی و اعتلای انقلابی در این دوره (۴۲-۴۸) توانست با حفظ سلطنت پوسیده پهلوی، تندید اختناق و فشار، مناسبات سرمایه داری را در جهت توسعه و تعمیق وابستگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه طی یک دوره توسعه داده و ساخت جامعه را در گون سازد. از آنجا که مضمون اصلی و فرعی که توسط امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده آن در روز ۶ بهمن ۴۱ نه "فراندام" شد عمدتاً مربوط به مسئله ارضی بود، ما در زیربط طور خلاصه در مورد این "اصلاحات" امپریالیستی و ویژگی‌ها و نتایج آن نکاتی را یادآور می شویم.

۱- این اصلاحات نه بدست توده‌های زحمتکش دهقانی، بلکه مشخصاً بدست فئودال بورژواها، بورژوازی وابسته و طراحی امپریالیسم آمریکا انجام می گرفت. بنابراین هدف اصلی از اجرای آن نه زمین دار کردن دهقانان بکنف خود آنان، بلکه سرمایه دار کردن فئودال‌ها و گسترش وابستگی اقتصادی همه جا نه و در بر گرفتن روستاها و کلاسه رها چوب منافع امپریالیسم و ارتجاع انجام می گرفت.

● اجرای "اصلاحات ارضی" امپریالیستی تغییرات مهمی را در شیوه استثمار زحمتکشان و در جهت توسعه مناسبات سرمایه داری وابسته در شهرها و روستاها بوجود آورد. شیوه استثمار دهقانان که در دوران تسلط فئودالیسم بر روستاها بوسیله جذب کار اضافی دهقان توسط مالک انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه داری وابسته شکل دیگری یافت.

۴- اصلاحات ارضی امپریالیستی در شرایطی انجام میگرفت که فئودالیسم به سیکر فرسوده ای تبدیل شده بود، با شیوه تولید مندا عقب مانده کشاورزی و درآندیسبارنا جیزنا سی از این اقتصاد عقب افتاده بوده و وسیع دهقانان فاند قدرت خرید و جذب کار لاهی سرمایه داری بودند. دهقانان شیوه عقب مانده ای استثمار می شدند و نیروی کارشان از دیدگاه بورژوازی وابسته مظلمانده بود. کار لاهی امپریالیستی براساس تقوا را تصاد طبیعی در روستاها، کمترین آنجا را می یافت. لذا دگرگون کردن مناسبات اقتصادی فئودالی در روستاها ضروری بود.

۵- تبدیل اقتصاد ایران سیک اقتصاد مصرفی که در آن کار لاهی امپریالیستی به میزان وسیع جذب کرده و با زاردا خلقی کاملاً در اختیار امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار گرفته، یکی دیگر از هدفهای "اصلاحات ارضی" سرمایه داری بود. تا بودی کشاورزی دهقانان ایران و وابسته شدن اقتصاد کشور به واردات کتار و رزی امپریالیستیا، جنبه دیگری از منافع امپریالیسم آمریکا را تشکیل میداد.

۶- و با لخره ایجاد یک قشر مرفه دهقانی که با استفاده از کار لاهی امپریالیستی در جهت رشد بورژوازی و ارتقا اجتماعی نژاد باگه و حافظ رژیم سازماندهی می توانست یکی دیگر از اهداف امپریالیستیا وابستگی شدید اقتصاد ایران به امپریالیسم، رشد چنین قشری را بویژه در سالهای اخیر از زمین بردارده

۲- "اصلاحات ارضی" به خود خط یک رزمی بورژوازی را همند است اگر بورژوازی در دو قرن پیش با ساعا اصلاحات ارضی، توده‌های دهقانی را به دنبال خود میکشید و هدف آن توسعه و تحکیم بازار و صنایع داخلی بکنف توسعه سرمایه داری، تکامل نیروهای مولده، تا بودی فئودالیسم بود. اصلاحات ارضی "امپریالیستی" که بدست شاه انجام شد سبب برنی زها و منافع سرمایه داری وابسته گردید و حد خلقی بود. در واقع بدسال "اصلاحات ارضی" نه تنها سولسات داخلی و اقتصاد ملی سس از سس مورد تهاجم محدود بدست فرامی گرفت. بلکه این "اصلاحات" راه گشای گسترش حضور و نفوذ سرمایه داری در اقتصاد دوبا زار داخلی و رشد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در شهر و روستا گردید.

۳- اصلاحات ارضی امپریالیستی، عقب نشینی ارتجاع در مقابل تهاجم و رشد جنبه انقلابی بوده ای نبود، هر چند که یکی از اهداف سیاسی امپریالیسم آمریکا از سن سدن انگیزه منارایی توده‌های دهقانی حتی بطور موضعی و ممالله با تسلسل انقلابی بالقوه جا معده بود. دلیل این امر این است که اگر اس مسئله عقب نشینی امپریالیسم در دوران اعتلای انقلابی سسما رود، قاعداً در هنگام فروکش کردن جنبه با سستی دونا رهن گرفته شود. در حالیکه ما نا هدان بودیم که اصلاحات ارضی در مجموع مطابق آنچه که در سال ۴۱ طرح ریزی شده بود، ما همان مضمون و محتوا در جهت نازها و اهداف امپریالیسم اجراء شد.

نوع مالکیت	سایر معلوم	مخلوط	خالص	مجموعه	سلطنتی	شندانی	خرده مالکی	دانگی
درصد	۵/۰	۱۵,۱	۲,۰	۱/۸	۲/۰	۲۳/۴	۲۱/۹	۱۰/۹
درصد	۵/۵			۲۶/۰				۵۲/۸

### جدول ۱- وضعیت مالکیت بر زمین قبل از "اصلاحات ارضی"

شندانی - دهی که تمام آن متعلق به شخص واحدی باشد.  
دانگی - دهی که چند مالک دارد به شرطی که هر سیم هر که کم تر از ۱ دانگ نباشد.  
خرده مالکی - دهی که میزان مالکیت هر مالک کمتر از یک دانگ باشد.

سلطنتی - املاک متعلق به دربار.  
موقوفه - املاکی که از طرف شخصی وقف شده باشد.  
خالصه - املاک دولتی  
مخلوط - مانند دهی که نصف آن خالصه و نصف دیگر آن دانگی باشد.  
ماخذ - جسد سبنا م: مقدمه ای بر حواصت ساسی ایران

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

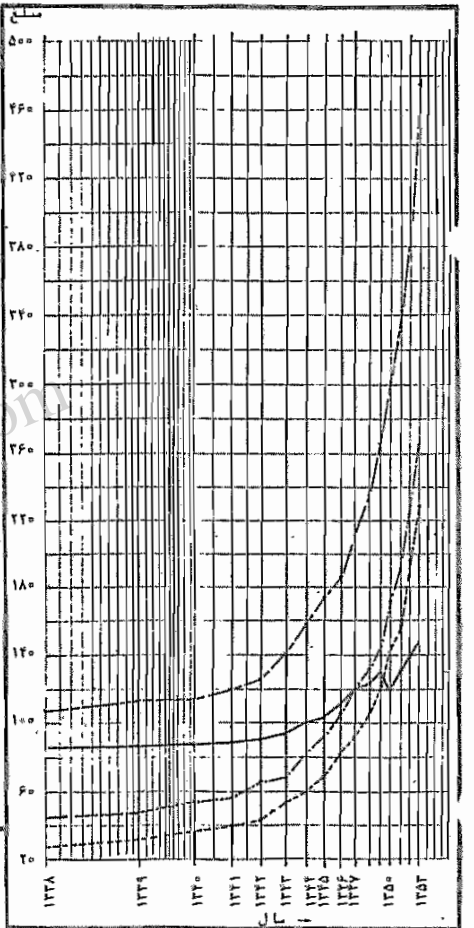
۱۳۳۵ نشان می دهد .

هما منظور که از جدول ۱ مشاهده میشود تقریباً در کلیه روستاهای ایران روابط ارباب - رعیتی وجود داشته است . ۴۶٪ از دهات بزرگ مالکی بنا همان روابط ارباب رعیتی وجود داشته که در اشکال مختلف بزرگ مالکی بصورت ملکی (شخصی)، دولتی، وقفی، سلطنتی بوده است . طبق یک آمار دولتی، تنها یک نفر در ایران ۲۱۵ دهشدهنگ داشته است (۱). اجرای "املاحات ارضی" امپریالیستی تغییرات مهمی را در شیوه استثمار زحمتکشان و در جهت توسعه مناسبات سرمایه داری وابسته در شهرها و روستاها بوجود آورد. شیوه استثمار دهقانان که در دوران تسلط مئودا لیس بر روستاها بوسیله جذب کارخانگی دهقان توسط مالکان انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه داری وابسته شکل دیگری یافت . در اینجا بخشی از نیروی کار دهقانان (دهقانان کنده شده از زمین) بوسیله مناسبات وابسته، کثرت و مکانیزه ساختن سازی و ... بحیب سرمایه داران وابسته و سرمایه داران لیبرال و امپریالیسم می رود. بخش دیگر دهقانان که همچنان منافع اصلی تولیدشان شیوه تولید خرده مالکی است، ارزش اضافی حاصل از کارشان چه مستقیماً توسط شرکتهای تعاونی، بانکهای دولتی و ... چه غیر مستقیم بوسیله انحصار خریدگرا که منافع محصولات عمده کثرت توسط دولت و ثابت نگه داشتن قیمت محصولات کثرت و در مقابل رشدی وقفه تورم (۲)، بحیب انحصارات داخلی و وابسته امپریالیسم می رود .

از هنگام املاحات ارضی تا به امروز، ضربه مهلکی بر اقتصاد کثرت و روستای ایران وارد آمده است. سرمایه داری در رشتههای غیرتولیدی، بنحویت آوری رشد کرده است. نمودار تولید ناخالص ملی را بحسب ۴ رشته کثرت و رزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات نشان می دهد. هما منظور که ملاحظه می شود، در حالیکه در فاصله سالهای ۵۳ - ۳۸ تولید کثرت و رزی رشد بسیار کند داشته است، سهم مربوط به خدمات که یک رشته غیرتولیدی است چه در شحیرت آوری داشته است و همواره در میان رشتههای اقتصادی بیشترین

بود، زیرا که تنبیت یک جانبه نرخ محصولات اساسی کثرت و رزی توسط دولت، واردات سرمایه و محصولات کثرت و رزی از خارج و ... ضربه مهلکی بر اقتصاد روستایی وارد آورد و کثرت و رزی در دهقانان را هم تحت فشار قرار میداد. و این عملکردها از سوی دیگر اقتصاد فقیر دهقانان را فقیرتر کرده و سبب تشدید مهاجرت آنها به شهرها گردید .

وضعیت نمودار لیس در ایران قبل از "رفرم ارضی" چه بود؟ جدول ۱ میزان مالکیت ارضی را در سال



نمودار - تولید ناخالص ملی بحسب گروههای اصلی فعالیت های اقتصادی بحقیقت ثابت در سالهای مختلف (میلیارد ریال)

کثرت و رزی : لگاریتمی  
کثرت و رزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلداری، ماهیگیری و شکار .  
نفت شامل درآمدهای است که از اکتشاف، استخراج، تولید و توزیع مواد نفتی عا شده است.  
صنایع و معادن شامل صنعت، معدن، ساختمان، آب و برق .  
خدمات شامل حمل و نقل و ارتباطات، بانکداری، بیمهگری و دلالی، بازرگانی داخلی، کرایه مسکن، خدمات دولتی و خدمات خصوصی است .  
ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران ۱۳۵۵ .

مبلغ را بخود اختصاص داده است . بدون شک اگر بخوانیم سهم تولید کثرت و رزی را از آنچه مربوط به تولید دهقانان میشود از تولید سرمایه داری ارضی جدا کنیم، خط مربوط به کثرت و رزی در نمودار ۱ سیر نزولی خواهد داشت زیرا همواره توده های عظیمی از دهقانان زیر بار قرض، زمین های خود را رها کرده و آواره شهرها شده اند . نمودار ۲ سهم تولید کثرت و رزی را نسبت به تولید ناخالص ملی بصورت درصد نشان می دهد (خط پر) .

هما منظور که ملاحظه می شود در فاصله بین سالهای همواره سهم کثرت و رزی در تولید ملی کاهش یافته است . در همین حال در این فاصله جمعیت کثرت و رزی ایران بر اثر مهاجرت روستائیان به شهرها سیر نزولی داشته است .

این مسائل تا حدودی می توانند تا "ج" املاحات ارضی "نا را نشان دهد . ما در آینده سعی خواهیم کرد در مورد مسئله ارضی مقالات دیگری منتشر سازیم

- (۱) - خسرو خسروی : حاشیه ساسی روستایی ایران .
- (۲) - طربن آمار بانک مرکزی، تورم بین سالهای ۲۹ تا ۵۷ بالغ بر ۱۴۱/۵٪ بوده است . ولی در طی این سالها افزایش قابل ملاحظه ای در نرخ خرید محصولات اساسی کثرت و رزی نظیر گندم و جو و پیس و چغندر بعمل نمی آمد و در طول این سالها نرخ خریداری شده این محصولات ارکثرت و رزان از طرفین وارد کردن این محصولات ارکثرت و رزی امپریالیستی پائین نگاه داشته میشد .

بقیه از صفحه ۵

هیئت حاکمه ...

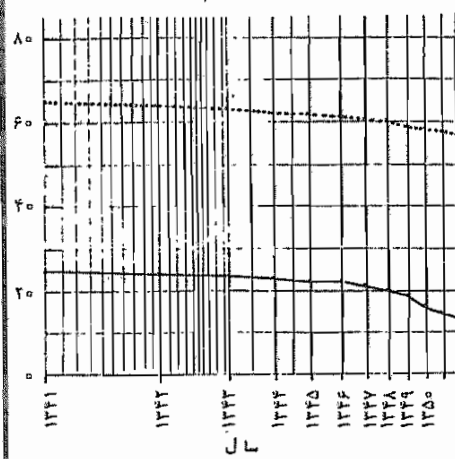
وابسته به آنها و نسبت دادن "فدا انقلابی" و "آمریکائی" و "اخلالگر" بشما نیابتی کوچکترین خلی در راه مصلحتان برای ادا ما انقلاب فدا امپریالیستی - فدا ارتجاعی باشد . اقدامات اشخاصی همچون "گروبی" حتی اگر خیرخواهانه باشد، نیابتی باعث خوشبختی شما نسبت به هیئت حاکمه شود و از این بنگار انقلابی شما برای مصادره آبروهای شما جلوگیری کند .

رفقای هوادار و شیروهای انقلابی!

۱- در مصادره آبروهای خالی توسط زحمتکشان دقت کنید که آبروهای کوچک متعلق به سرمایه داران کوچک مورد مصادره فرا رنگیرد . این کار نیابتی ساکاروتوضیحی در میان زحمتکشان انجام گیرد . همینطور در مورد مصادره زمین ها برای خانه سازی این مسئله نیابتی مورد توجه قرار گیرد .

۲- در افشای ماهیت ضد خلقی هیئت حاکمه و ترغیب زحمتکشان به انجام استکرامستقل خود نیابتی به اقدامات خانه سازی کروی نیز برخورد مشخص کنید . مضمون برخورد با افرادی نظیر کروی برای نیابتی ستوار است که اقدامات این افراد حتی اگر خیرخواهانه هم باشد از آنچه فاع استکرامستقلی و مستقل توده ها شده و امید آنها را به بخش هیئت حاکمه بیشتر می کند، عملاً در جهت منافع هیئت حاکمه است .

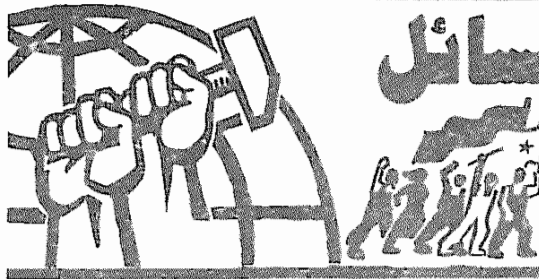
۳ - تشکیل کمیته ای از نمایندگان مصادره کنندگان برای جلوگیری از هرج و مرج، تسد و م مبادرت انقلابی در برابرحالات ارتجاع و آگاهانه کردن مبادرت توده های ضرورت دارد . عناصراگاه نیابتی در تشکیل این کمیته ها نقش فعالی داشته باشند



نمودار ۲ - درصد تولید کثرت و رزی در تولید ناخالص ملی (خط پر) و درصد جمعیت روستائی نسبت به جمعیت کل کشور (نقطه چین) در سالهای مختلف .  
ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران  
مقیاس : لگاریتمی



# اخبار و مسائل جهانی



## آمریکا زیر پرچم "الله": "پیمان اسلامی" دوباره احیاء میشود!

ارتلریتیکور در دفاع اسبق آمریکا و رئیس اسبق "سا" وورساریزی اخیراً آمریکا (کا سبسه کارتر) نقل میکنند که در طی سؤدع خود گفته است: "تینوس راه برای نامس منافع آمریکا در خاورمیانه، حاسب از الله است" (۱)

اس، سیاست نازدهای نیست، درست هردلار آمریکا ئی نیر حمله IN GOD WE TRUST (مانه خدا اعتماد دارم) جسم منحورد، در تینسه سیاسی - دیلیمانک و معادلای بین المللی، اس سیاست تا کون به اسکال مختلف ظاهر شده است:

پس ارجنک حیاتی دوم و آغاز تسلط امبرالسم آمریکا بر منطقه خاورمیانه، حیانتان سیدلانیهای گسترده و پیچیده آمریکا برای مبارزه و سرکوب ملی - های تحسین و بیباخسان منطقه میباشند. تیناس - ها و نوظنه ماشی که هدف از آنها غارت و حوال هرجه بیسترتروسیهای طبیعی و انسانی این منطقه است.

توسعه طلبی و تجاوز آمریکا در این منطقه، اسدا بصورت مقابله با جبهه متحد خلقی سید شده و اردوگاه سوسیالیستی سودولی از او احرا لپهای ۱۹۵۰: بعد و تسلط روی سوتنسم بر حزب کمونیست

انخا دوروی و تبدیل اسن کشور به سوسیال امپریال - لیسم، مواجهه آمریکا از کثرت و بطور عمده علیه خلقهای تحت ستم و از طرف دیگر در رقابت با ابر - قدرت سوری نسیم می باشد. بدون سک خلقهای اس منطقه، مرور هم درسراسر آمریکا فرار دارند و هم

ارسانت توسعه طلبی سوری رنج میبرند. هرک از دو کشور آمریکا و سوری می کوشند تا دخلقهای آن منطقه را با کشورهای سوری (سوری نا آمریکا) را با بهای برای نفوذ خود و جبهه بندی علیه دیگری قرار دهند. بیجید - گی معارزات انقلابی، استقلال طلبانه و ترقیخواهان

خلقهای منطقه، مرور راستحاناسی مسود که آنها گویی دردها نمک گارانبرو اع سده اند. اتکاء هر چه سبشرا بین خلقها به نیروهای رسدیا بند وجود، سه طبقه کارگر و همیمانان او و هشاری نیروهای آگاه و انقلابی و اتحادسات مستثنی بر تشخیص تقاد عمده

در هر مرحله مبنوا ندجبهه متحدین خلقها را در سراهرد و خطر مقا و مترنموده آنها را سوسی استقلال دمگراسی و سراسحام سوسالیسم رهنمون شود. سهاجم و توظنه آمریکا که با اس علیه خلقهای منطقه و سمنظور غارت هر چه بیشتر آنهاست، طی دهه های اخیر عمدتاً بصورت انعقاد در ااردهای نظامی س حکومتی دست سنا نده در اس منطقه و وارد کردن آنها به سمان نیای نظامی سیده شده است. ساجا ۳ پیمان نظامی سرکردگی آمریکا سکو سدممورت خلقهای سوری را در محاصره گیرد. سمان ناتو (آتلانتیک شمالی) که کشورهای روسای عربی را در بر گرفته تا ترکیه کسده مسد. سعدییمان

بغداد (کا) از ۱۳۳۷ سید و سقوط رژیم سلطنتی در عراق، پیمان ستونام کرفت (سامل کشورهای سرکبه، عراق، ایران و پاکستان مسد. پیمان آسای جنوب سرفی (سبو) که اسان را متحد کرد دیگر در جنوب و جنوب سرفی آسا: سلیبی، سابلند و مالزی در بر میگرفت، حلقه محاصره را تکمیل میکرد. البته انگلستان هم در سمام اس سمانیا حضور داشت و سرکبه و پاکستان، مفصل هر سه پیمان بودند.

امپریالیسم آمریکا سدیاری انگلستان، برای نامین سراطی که اس پیمانیا را محکم سازد به توظنه های کوناگون دست مسدندند. محمله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مقدمه انعقاد پیمان بعداد (۱۳۳۴) بود. معارزات خلقی منطقه و سربانی که از این رهگذر بر سرکرا امپریالیسم وارد مسد (و نیز کوشی که از سوی سوری برای درهم سگستن اسین حلقه محاصره سیمان عامل درجه دوم - چه بصورت کمک به نیروهای صد آمریکا ئی وجه به مسورت نواقعی سب المللی نا آمریکا انجام مسد) منخر به از هم گستن اس حلقه محاصره در جند نقطه گردید. سطور که اس سمانیا سبویه سیمان ستونام وجودی خود را تا حد سادی از دست داد و انقلاب نامحام ایران تیر خلاص آنرا سلیک کرد.

● موضع وزارت خارجه ایران و همدستی آشکار با آمریکا خنجر می است که این بار از زور و بر سینه زحمتکشان ایران که عمیقاً ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی می باشند، زده می شود.

در برابر این صرات، امبرالسم آمریکا، برای حفظ منافع استراتژیک خود، چه از لحاظ مواد نفتی منطقه خلیج فارس که حدود ۶۰٪ از ذخائر زرس - زمینی جهان را در خود نهمند و اارده از لحاظ موقعیت استراتژیک نظامی همواره کسوده است. آلترنا تیو (سدل) های تازه ای را جهت گرد هم آوردن دست سنا ندگان خود و با مطلع برای حفظ آنها از خطر کمونسم "در آستین دان سنا سد. سرومن رئیس جمهور آمریکا در ۱۹۴۷ خلقی بدور سونان، ترکیسه و ای تالبا کسید و آنرا منطقه حاسی آمریکا نامسد، خلقی که به دکتترین ترومن معروف سد. سهدا آزنیا و سده کشورهای خاورمیانه پیشنها دادا که برای دفاع از آنان در مقابل "کمونسم" پیدانیا کمک نظامی کند و سراسر آن، در ۱۹۵۸ درلینان دخالت نظامی کرد، اس سسات سزیه دکتترین آزنیا و رم مسرور کش (۲) سهدا تحت تاثیر برحمان وستنام دکتربس نیگسون مطرح سده که سراسر آن جنبشهای فدایمیر -

سالیسی هر منطقه را بدو سده دست سنا ندگان آمریکا در همان منطقه (السهامک همه حاسنه آمریکا) سرکوب سد. سا بهر همن سنا ندگان آمریکا در خلیج فارس کسب و سه سرکوبی حسان انقلابی سلی عمان برداخت. و حالاً کاسر "سمان اسلامی" را بیس کسده است. "سمان اسلامی" که فرا اسد در سرگرتده رژیمهای کشورهای اسلامی و اسسه ها آمریکا با سد "سلا" در اوائل سالهای ۱۳۴۰ سراطها را با سکتار عربستان سعودی مطرح سد. اما علیرغم تلاشهای ساه و ملک فصل سادشاه سابق سعودی، سجاتی نرسد. معارزات خلقی عرب و مواضع سرمان سیدالنا صر اس طرح راهمون تخم مرغ کندیده ای به دیوار کوسد. ساررور، سلا سهای سبگیر آمریکا برای بدام انداختن کشورهای عربی، علیرغم حاکمیت ارتجاع

● ما علیه سوسیال امپریالیسم سوری مبارزه میکنیم ولی هرگز اجازه نخواهیم داد که قدرت ارتجاعی حاکم بر ایران زیر لوای مبارزه با نفوذ خارجی و سلطه سوری، از هان توده ها را از مبارزه بر علیه آمریکا منحرف سازد.

درساری اسان کشورها، در نتیجه حوضه امپریالیسم سالیسی و سدیه ونسی و معارزات خلقی فلسطن به شکست انجامیده است. موقعیت اسین تلاشها عمدتاً در انعقاد صلح مصر و اسرائیل بوده که اسین نیز ساه وجود سره سخنی که سماره اعراب زده، بتویه خود سانه های حاکمیت ارتجاع در مصر و نیز دیگر مناطقی عربی را ضربه زد سانه است.

اکنون سارحرسه ایران و مطالبات مسد و کسده های که امپریالیسم در قبالت نقش مذهب در ایران و دیگر جاهای منطقه سعل آورده اند، همانطور که در اسنادی مقاله کسسم، به اسین نتیجه مسرند که با سد زیر پرچم "الله" (۳) \*

- (۱) - سربره ماشی شماره ۷ - سفل ارهرالسد - ترسوس (سبرور ۵۸)
- (۲) - همسحاب سدیسا ساره که کم که سنا ندگان سورورای لسرال اسان که سدگرا هی حروا سستی به آمریکا سراسان سوده سس سراس سبه ملی (السهام) ره لود کسرسحا سی و... در سال ۲۷ سبی ۵ سال سنا ر کوسادی ۲۸ مرداد دکتربس آسرا و ر راید سرسند!
- (۳) - سکی اسوسندگان لسرال عرب به آمریکا سدار سده که "سفل ار مومعگری له س علیه حسی سکر کسده کسی سهارا و سسواد سد ر کرا سماره ساسما ر در برابر کمونسم جهانی. ساسسد؟! (المسمل ۲۲ دسامر - دی ماه ۵۸).

## نگاهی به مواضع سیاسی "حقیقت" در مرحله اخیر

در شماره بیست و یکم، مواضع "حقیقت" را در مرحله اول از دوره سوم مورد ارزیابی مختصر قرار دادیم، اکنون می‌کوشیم تا این مواضع را بطور اجمالی در شرحی

# زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس یک جانبه آن در صف انقلاب (۵)

از جنبه‌های آن، در مرحله اخیر، مرحله دوم از دوره سوم مورد بررسی قرار دهیم. همانطور که در مقاله "زیگراگهای ضد انقلاب..." (ضمیمه پیکار ۲۴) توضیح دادیم، در این مرحله، بر اثر رشد انقلاب و گسترش جنبش انقلابی بوده‌ها، شکست ضدانقلاب در کردستان و سردسرها قنات و درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت سیاسی حاکم، حُرخی در تاکتیک‌های هیئت حاکمه و جناح‌های مختلف آن بوجود می‌آید. در کردستان تا کتیک "تعرض" جای خود را به تاکتیک "ملح" و عقب‌نشینی می‌دهد. و بخشی از هیئت حاکمه تاکتیک همانکی ظاهری با جنس خدا میریالیستی بوده‌ها را در پیش می‌گیرد و با عوض کردن تسلیمات "آنتنی کمونیستی" خود در یک مرحله، به جمله پیراوی "خدا میریالیستی" دست می‌بازد. این تغییر تاکتیک، زمینه مادی را در پیروزی نیستم در جنس کارگری و کمونیستی را فراهم می‌سازد و خطوط سیاسی گوناگون را با برجستگی بیشتر از زمین نشانده. حال سببیت مواضع "ا" تحادیه کمونیستهای ایران در این دوران چگونه است.

## ۱- مواضع "حقیقت" در قبال خرده بورژوازی

"حقیقت" شماره ۴۷ در مقاله "خط‌ها روشن ترمی شود"، می‌نویسد: "سیاسی از خواسته‌های اساسی مردم مبارزه با میریالیسم که ۹ ماه به وسیله دولت و شورای "انقلاب" سازگار نیست گویا ابتدا حتمه شده بود، دو- با بهره‌رزی نه‌ای مردم آمد و یکمدا فرساده کردند و این فریب‌دهی بیگرا میریالیسم و ارتجاع می‌باشد. سرما به گذران انحصارگر آمریکا می‌مستشاران و جاسوسان نظامی که پنهانی و آشکار دوباره سر و کله‌شان در ایران پیدا شده بود، دوباره با رفرم‌هایستند و گورشان را کم کردند. سرما به گذران و وابسته که با پشتیبانی دولت سازنگار آرم‌آرام و قنات را ماسه‌عمدی یافتند، ناگهان وضع را دگرگون یافتند (چرا ناگهان؟) و دیدند کارگران عملیات دربی ملی کردن کارخانجات و موسسات وابسته‌ها میریالیسم آنها هستند. سران ارتش محمدرضا شاهی که دوباره از بیروت و خود لیبیرا لاهی سازنگار ولایت فقیه‌های مکار با ل و پیریا فتنه و لیست خرید سلاح و مهمات می‌دادند، به لاک خود فرو رفتند. ملاکان و بورژوا فئودالها که ملاک‌های رضی بزرگ خود را دست نخورده دیدند و لواط قا نونی را به مراد خویش یافتند، ناگهان مواضع با خواسته‌های از نیروهای انقلابی و مردم‌شدنگه از "شورای انقلاب" خواستار رحل فئودالیسم در ایران شدند...

آری بزرگترین فرسوده‌ها میریالیسم و وابستگی آن در ایران تاکنون خورده‌اند و نوش جان نشان! " (حقیقت ۴۷).  
این تغییر "ناگهانی" در مواضع، که در پی آمدن خودا بنهمه "دستاورد" داشته‌است، چه معجزه غریبی است؟ آیا "انقلاب" دیگری صورت گرفته‌است، که چنین "گام"‌های بلندی در "تکامل" مسازرات خدا میریالیستی و ضد ارتجاعی ایران را استوان توضیح داد؟ با اینکه مردم ایران بکشته‌خواب نما شده و "ناگهان" دریا فتنه‌انگه و امیبتا! در این ۹ ماه در "بیراهه" حرکت می‌کرده‌اند و سببیت همگانه‌اند تا چنین "طوفانی" را بوجود آورند که دنبال خود "بزرگترین صربه" را بر پیکر میریالیسم و ارتجاع وارد نماید؟ تا آنجا نیکه‌ما جستجو کردیم، نه‌از این "دستاورد‌های عظیم" غری دیدیم و نه‌از آن رمت و برگشت‌های انقلاب ایران و جنبش انقلابی مردم. آنچه‌ما مشاهده کردیم می‌کنیم‌با‌ی‌ه‌ای استوار سرما به گذران وابسته‌ها است، که کماکان در معیت حاکمان جدید در قدرت سیاسی، به زندگی غارت-گرانه و استعمارگرانه خود، در همه‌شئون مادی زندگی شده‌های زحمتکش‌ها ادامه می‌دهد. و کارگران و زحمتکشان ایران را در زیرتازبا نه‌بهره‌گشی، بحران اقتصادی و فشا مادی خود خرد می‌کند. کارگران و زحمتکشان می‌بینند که

سکی نیست که در جریان رشد مبارزات خدا میریالیستی - خدا ربحا‌عی‌ا‌خبر خلق قهرمان ایران، امیرالیسم‌فربا‌تی‌ا‌زلحاظ‌سیاسی، حد‌درسط‌سیاسی - المللی و چه‌درسط‌داخلی‌دریافت‌نمود. مسازراتی‌که‌به‌طور "ناگهانی" - بلکه‌در‌ا‌مه‌مسازرات‌رشد‌با‌سند‌مردم‌می‌سازرات‌با‌سکل‌گرفته‌و‌تداوم‌بافته‌است. اما خواست‌های اساسی خدا میریالیستی و ضد ارتجاعی مردم، که مبارزاتشان به‌حول‌آن‌نکل‌گرفته‌است، ماساقت‌و‌مات‌ارتجاعی‌هیئت‌حاکمه، که می‌کوشد آن‌خواست‌ها را در محدوده‌یک سلسله اقدامات رفرمیستی نه‌سند

کشد، روبرو شده و نتوانسته‌است صورت تحقق بخورد. لیکن "حقیقت" "رضیات" جدی "تربیکر میریالیسم، سرما به گذران و وابسته و ملاکان و بورژوا فئودالها سخن می‌گوید و معتقد است که "ا" میریالیسم و وابستگی آن "در ایران" بزرگترین صربه "را" نوش جان کرده‌اند | با بسند برسند که تسلط و اعلی‌این‌فربا‌ت "حقیقت" تربیت‌سرما به گذران و وابسته و عقب‌نشینی فئودالها در کجاست. اگر مصطوره‌مبارزه‌کارگران محافظه‌کار ملی‌کردن موسسات امیرالیستی است، که این مبارزه ۹ ماه است ادامه دارد. و همچنان در سطح "خواست" و مبارزه در راه تحقق آن ساقی مانده‌است.

اگر مقصود جنبش عظیم دهقانی در سرازیر زمینداران بزرگ و بیابانی فئودال‌لیسم و بوروکراسی وسیع دولتی است که اس‌مسازرات‌در‌عرض‌۹ ماه هم‌چنان ادامه داده‌است و روبرو رگسترش می‌یافته‌است. و امروز سز فقط تشدید شده‌است، دستاوردهای انقلابی این جنس نیز به‌طور "ناگهانی" در اس مقطع، بلکه گام‌بگام در طی این دوران مبارزه توسط خود دهقانات حاصل شده‌است. سببیت حقیقت چیست؟ آن عامل معجزه‌آسایی که "ناگهان" و در یک مقطع کوتاه، اوضاع را آنچنان "دگرگون" کرده‌است که دیدگان "حقیقت" را به بحسن واداسه‌کدامند؟ "حقیقت" خود گره‌ها می‌گشاید:

"بورژوازی لیبرال و نماینده‌های بزرگان که مسازرات‌انحصارطلبی‌سکوه و شکایت می‌کنند ولی خود در قفسه‌کردن و انحصار قدرت سرآمد است، ۹ ماه تمام خرده‌بورژوازی را سر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و حجاب‌نازاند و جهت اصلی مسازرات‌ها منحرف ساخت ولی با افتادن جهت مسازرات سروری خط صحیح ضرب‌های در خود دریافت داشت."

سببیت ترتیب مطابق نظر "حقیقت" عامل اصلی بوجود آورنده تغییرات "ناگهانی" در مواضع جامعه، سارگمت خرده‌بورژوازی به "خط فکلی" خود و افتادن مسازرات‌مردم توسط اس‌سرو "سروری خط صحیح" است. در واقع بر اساس اس نظر، خرده‌بورژوازی ماس‌با‌س‌یا‌زیدن‌سبک‌گودتا بر علیه بورژوازی و امیرالیستی‌ها، سرما به گذران و وابسته، فئودالها و... پس از ۹ ماه حرکت شده‌اند با آنها، بورژوازی را از خود می‌اند و طوفانی در سطح جامعه مبدعی آورد که

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

دربی آمدن "بزرگترین ضربه" به امپریالیسم و استگنان داخلی آنها وارد می آید.

سؤال ما از "حقیقت" این است که تحولات اساسی کودتا در کجا است؟ ترکیب هیئت حاکمه کنونی چه تعبیرات اساسی نسبت به سابق بوجود آمده است؟ آیا بغیر از این است که در ساختار کنونی شورای انقلاب (هیئت حاکمه امروز) بهره‌ها همان بهره‌های سابق دولت و شورای انقلاب هستند. (بجز تغییرات حزبی و ناجیز). مگر جز این است که از زگان، بهره‌های اصلی دولت سابق، ریاست نخست و زبیری برکنار شده‌اند؟ شورای انقلاب "منتقل می‌شود؟ مگر نه این است که "بزدی" اس ناروفا و امپریالیستها، پس از یک دوره قدرت کوتاه مدت سوسیله، اما مظهری سودمندان نمانده‌اند اما مورسیدگی به "تکالیفات" مردمی شود؟ مگر نه این است که "حمران" اس عنصرنا شست و عا مل سرکوب خلق کرد، کماکان درست خودتقی می‌ماند؟ بنا بر این تاسیرات مادی این کودتا بر علیه بورژوازی و امپریالیستها، در ترکیب هیئت حاکمه در کجا است؟

همچنین تاسیرات اس کودتا در مجموعه سیاستهای هیئت حاکمه چه بوده است؟ چه ضرات اساسی بر پیکر سرمایه‌داری وابسته ایران وارد آمده است و چه ضرات عملی ارجان جناح کودتا کننده جهت مصادره ممالک زمین داران بزرگ و... بعمل آمده است؟ مگر نه این است که حتی آن اقدامات منکرانه و انقلابی - ای که از جانب خود مردم در جهت مصادره ممالک سرمایه‌داران وابسته و زمین داران بزرگ بعمل می‌آید، (مثلا اشغال مساکن و مصادره زمینهای با یر) توسط آیت الله خمینی "غیر شرعی" نامیده می‌شود و سوسیله "شورای انقلاب" اطلاعیه‌های تهدیدآمیز مازم می‌شود؟ کدامیک از اقدامات اساسی انضامی - نظامی... انشاء و لغوشده است؟ واقعیت اس اس که حرکت اسامال سفارت

سوی خرد بورژوازی مرفه‌سنی و نتایج سندی آن، که حتی مفا را از دست اس جناح نترتا حدودی خارج کرد، حمران "حقیقت" را حصر کرده است و هاس هوی برپا شده سر اس از جانب این نیرو سوسین کل هیئت حاکمه، اس رفقا را نیز دچار توهم نموده است که گویا برای اس "انقلاب دومی" صورت گرفته است. "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" (نقل سمنی از سخنان آیت الله خمینی). واقعیت این است که "حقیقت" عملا پد ام آن توهماتی می‌افند، که خرد - بورژوازی با حرکت چرخشی اخیر خود، در دهس توده‌ها القاء نمود. توهماتی که سیک درک رویز سونستی می‌انجامد و اس اعتقاد اس می‌زند که خرد بورژوازی مرفه‌سنی پس از کودتا بر علیه بورژوازی و راندن آن از خود، انقلاب دومی را آغاز ز نمود، انقلابی که سعداد ۹ ماه تا حیران حراف در مازره مردم و منحمله خرد بورژوازی، در معیت و تحت رهبری خرد بورژوازی در قدرت، شروع به حرکت نموده است. این همان درکی است که رویز سونستیهای حاش حزب، توده‌سکل صریح تروهه‌سجانه تری آن را فرموله می‌کنند و بدین ترتیب آب نظمی بر روی اس این جناح از فدا انقلاب می‌ریزند. درکی که "حقیقت" را اسام تا کتیک‌های هیئت حاکمه فرومی اندازد و راه‌سشیمان "مشروط" (در عمل غیر مشروط) خرد بورژوازی مرفه‌سنی، یعنی سحشی از فدا انقلاب کنونی - و امبارد.

و اما بعد، "حقیقت" می‌گوید:

"سیاری از حواسه‌های اساسی مردم در مازره با امپریالیسم، که ۹ ماه سوسیله دولت و شورای "انقلاب" را زنگار ریشت گوش انداخته شده بود، دوباره سر سوزنا نهی مردم ام و یکمدا فرپا دگردند و اس ضربه جدی بر سیکس امپریالیسم و ارتجاع می‌باشد". (هما نجا)

"حقیقت" سیکس به سرتما مسازات بیسین توده‌ها به حول حواسه‌های اساسی دموکراتیک و فدا میرپالیستی سان خط بطلان می‌کشد و عملا نقطه آغاز اسام - مبارزات انقلابی و فدا میرپالیستی و طرح حواسه‌های اساسی را در حرکت و چرخش جدید خرد بورژوازی و تاسیرات تاسی از آن در جنبش بوده‌ای خلاصه می‌کند. مازره فدا میرپالیستی مردم، مازره‌ای اس ملموس حول حواسه‌های اساسی ملموس، از قسمل استقلال، نان، مسکن، آزادی، حق تعسین سرنوس و... اس مازره‌ها اسام استادی اس از قسام، کماکان در اسام مختلف ادامی اس و اگر در مراحل اولیه، حواسنا ر سحقی بخشیدن به آن از سوی رژیم بودند، در مراحل بعدی تحقی آن را سندر سچ در ممالک بله‌حوشی به همس هیئت حاکمه سحسوی می‌کردند.

در ممالک طی چند دهه‌ها اس علی‌رغم سرکوب رژیم، به مصادره زمین‌ها دست باز زدند و شوراهای خود را برپا نمودند. و در سالی نقاط مبارزات وسیع و گسترده - ای را بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، آغاز کردند.

کارگران، با سرمایه‌داران وابسته در اسام مختلف به مازره بر خاستند، بر علیه توطئه‌های آنها به اقدامات عملی دست زدند، برای تحکیم نهادهای

دموکراتیک خود منجمله‌شوراهای مترقی و سندیکا‌های واقعی با سرمایه‌داران وابسته و نیز دولت به ممالک بله‌حوشی برداختند، ملی کردن واقعی موسسات را چه در اعتمادات، تحصن‌ها و... چه در درخواست‌های خود از رژیم، طلب نمودند. خلقهای تحت ستم ملی، حادترین مبارزه را ساختار کسب خود مختاری و نابودی ستم‌طفاقی زمین داران بزرگ، فئودالیهای سازگشته و سرمایه‌داران وابسته آغاز کردند، و اس مبارزه را تا حد مفا و مت مسلحا به در سراسر اقدامات سرکوب - گران رژیم ارتقاء دادند.

اسنها بودند خواسه‌ها و مبارزات عمیقاً دموکراتیک و فدا میرپالیستی توده‌ها، که به "تاکلیات" بوجود آمده بود، نه در طی اس ۹ ماه از مسیر خود منحرف شده بود. و در اس دوره اخیر، در اثر دم سبجاشی خرد بورژوازی، در "خط صحیح" خود قرار گرفته بود. اس خواسه‌های فدا میرپالیستی مردم نیستند که در طی اس ۹ ماه از اسان مردم افتاده بود و امروز "تاکلیات" سر سوزنا نهی مردم آمده است؟ بلکه اسان درک "حقیقت" نسبت به خرد بورژوازی مرفه‌سنی است، که چنین تصویری را در ذهن او القاء می‌کند. درکی که چرخش اخیر خرد - بورژوازی را به ممالک مسبجاشی که در مبارزات فدا میرپالیستی مردم "می‌دمد"

● "حقیقت" از ضرات "جدی" بر پیکر امپریالیسم، سرمایه‌داران وابسته و ملاکان و بورژوا فئودالها سخن می‌گوید و معتقد است که "امپریالیسم و وابستگان آن" در ایران "بزرگترین ضربه" را "نوش جان" کرده‌اند! باید پرسید که تبلورات عملی اس ضرات "جدی" بر سسیستم سرمایه‌داری وابسته و عقب نشینی فئودالها در کجا است؟ اگر منظور مبارزه کارگران بخاطر ملی کردن موسسات امپریالیستی است، که اس ۹ مبارزه ماه است ادامه دارد.

و خواسه‌های آنها را دوباره بر سر سوزنا نهی آورد، تلقی می‌کند. و بدین ترتیب نه تنها مبارزات بیسین مردم چشم‌فروسته و بطوریکجا نه‌ای نسبت به توهمات توده‌ها به هیئت حاکمه و خمینی قضاوت می‌کند، بلکه خود نیز بیدا همان توهمات خرد بورژوازی فرومی غلطد. و توده‌ها را در موضع اعتماد به اسان جناح از هیئت حاکمه و نیز کل آن، پایدار ترمی سازد. "حقیقت" تمام حرکات جنبش توده‌ها را در حرکت خرد بورژوازی مرفه‌سنی، خلاصه می‌کند و چرخش جدیدی را که اس سرور در موضع فدا انقلاب و به سبب انفراد بیس از بیس‌سنان دست سازنده است، نقطه آغازی برای چرخش انقلاب از حراف به راه ملی تکامل خود قلمداد می‌نماید:

"انقلاب ایران پس از یک سیرا هه ۹ ماهه،... اکنون می‌تواند و باید راه و مسیری ملی تکامل خود را باز سوزنا نهی یافته است". (حقیقت ۴۷، تاکید از ما ست.)

عجبا! پس در اس ۹ ماه سرتکامل انقلاب ایران، که بدیده‌ما روز - روز را هرسد و تکامل واقعی را می‌سمود، غلط بوده است؟ آیا جنگ مردم کرد - ستان سیرلبه ارتجاع و فدا انقلاب و مبارزه برای گرفتن حواسه‌های اساسی خود، خلاف میرپالیستی تکامل انقلاب ایران بود؟ سکنده‌کاسین جنگ نه‌ناسی از جدت مسازره طبقاتی و ملی در کردستان، بلکه محصول "توطئه‌دوا بر قدرت" بوده است؟! در غیر اس صورت، "حقیقت" مبارزه مردم در طی اس مدت چگونه رزبایی می‌کند و امولاً "میرپالیستی تکامل" انقلاب انظرنا و چیست؟ باز بس گرفتن شاه‌ساش و تصرف "حاسوخانه آمریکا" اسان بودی واقعی سسستم سرمایه‌داری وابسته‌ما به ملی - تری سبگانه امپریالیسم در اسان و پسا سحکوشی به خواسه‌های واقعی رحسکان و خلقها... کدامیک؟

واقعیت اس اس که "حقیقت" از حرکات جدید خرد بورژوازی و خمینی حمران به وجد آمده است که سبیره ۹ ماهه سکا مل انقلاب ایران را اسام از اسام درده اس و حرکت اسین جناح از هیئت حاکمه را، عامل نجات جنبش انقلابی اسان ارسیمودن سسستم سیرانحرافی و سارکنت به "جهت صحیح" می‌داند. چرا که اس معتقد است اس حرکات سانسگردا سدن خرد بورژوازی و "امام" از بورژوا لیبرالها و سارکنت به خط فلی خود سعتی خط فدا میرپالیستی و انقلابی می‌باشد. بدین سرنسب اس سوال همچنان برای ما سمسب که چگونه سروئی که در اسفند ما معتقد بود که:

"سایبورختیاریا حمران با امپریالیستیهای آمریکا و اسان سگانه سدرت نیروهای مسلح ساهنما می‌و مهندس سارکان، ساسامت خرد بورژوازی مرفه مسلط بر جنس و سبگانه قدرت جنس توده‌ای وارد سبگانه و مصالحه گردیده بودند". (حقیقت ۲۶)،

و در حقیقت ۳۷ می‌گفت:



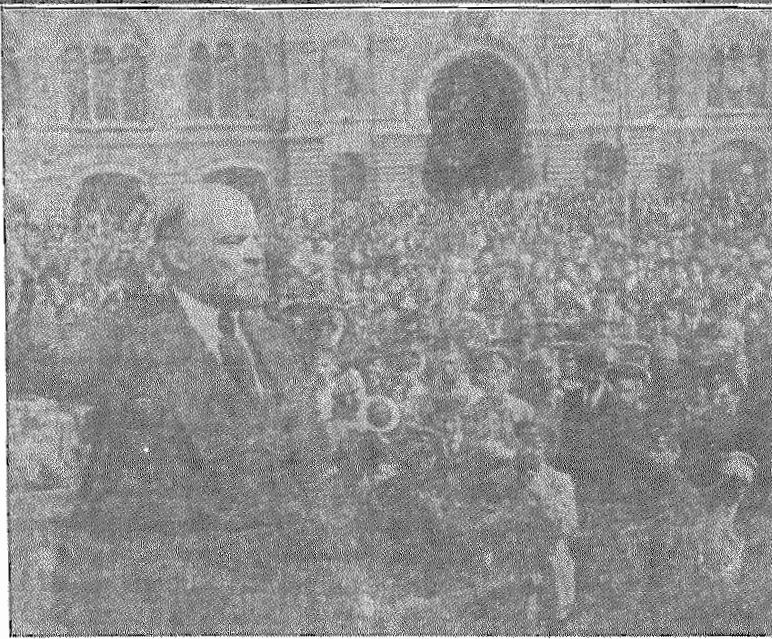


بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه)  
بنجاهوشمین سالگرد مرگ لنین

## لنین جاودانه است

"بیا ددا شتبا شید، دوست بدا ریو دوبا موزید...  
البلج را، آورگارما، پیشوای ما را"  
ی. استالین

- لنین نسبت به کسانی که سعی میکردند که از بالا به توده‌ها نگاه کنند و به آنها از روی کتاب درس بدهند، بی‌اعتنا بود.
- یکی از کارگران روسیه: "لنین مانند حقیقت ساده است."
- هر کجا که کارگران مبارزه میکنند، دهر گوشه جهان که زحمتکشان بپا خاسته‌اند، لنین بزرگ با چشمان تیزبینش حضور دارد.



ولادیمیرا بلج لنین، آموزگار و رفیق کارگران و زحمتکشان جهان چشمانش را بردنیا فرو بست، اما تنی بزرگ و با عظمت که تمام زندگی‌اش را در راه ناسی کارگران و زحمتکشان گذاشت، برآستی چگونه می‌توان لنین را به‌تصویر نمود؟ زندگی او در تمام ابعادش بزرگ و انسانی است، تنها تصویر گوشتی از زندگی‌اش کافی است تا نشان دهد انسان کمونیست چقدر با شوکت!

برای اینکه تصویری کلی از لنین بدست آید قسمتی از اظهار نظرهای استالین را درباره او نقل میکنیم:

"من با لنین اولین بار در ماه دسامبر سال ۱۹۰۵ در کنفرانس بلشویکی در تالین (درفنلاند) ملاقات کردم. من امیدوار بودم عقاب کوهی جزمان را بشکل مردی بزرگ ببینم که نه فقط از نقطه نظر سیاسی بلکه، اگر حقیقت را بخواهید از لحاظ جسمانی هم بزرگ باشد، زیرا لنین در تصور من مانند مردی عظیم، خوش اندام و با وقار نقش بسته بود. چقدر حیرت کردم وقتی که یک فرد کاملاً معمولی با قامتی کوتاه‌تر از متوسط دیدم که بهیچوجه... به‌سایک انسان... معمولی فرق نداشت..."

مروست که یک "رجل بزرگ" معمولاً با دیدن دیدار جلسه‌ها فرود تا اعضای جلسه با بی‌قراری فزونی - العاده منتظر ظهور او باشند و ضمناً قبل از ظاهر گشتن یک "رجل بزرگ" اعضای جلسه یکدیگر را متوجه می‌سازند: "هیس... ساکت... دادمی آید... چقدر حیرت کردم وقتی که دستم لنین قبل از نما بیندگان در جلسه حاضر شده در گوشه‌ای از سالن جای گرفته و بسا دهم‌ترین وجهی مشغول گفت و شنود کاملاً معمولی با عادی‌ترین نمایندگان کنفرانس است... فقط بعدها فهمیدم که این سادگی و فروتنی لنین، این اهتمام در نما شهودماندن و بی‌بهر حال زیاده‌طلب نظر نکردن و مقام عالی خود را با چشم نکشیدن، خصلتی است که یکی از قویترین جنبه‌های لنین - بمناسبت هدیک رهبر نویی برای توده‌های نوین، توده - های ساده و معمولی ژرفترین طبقات "زیرین" بنسر می‌یابد.

★ ★ ★

با ردهم من لنین را در سال ۱۹۰۶ در کنفرانس جزمان در استکهلم ملاقات کردم. بطوریکه بداند

بلشویکیها در این کنگره در اولیای ما نند و سکس خوردند. در آن موقع برای اولیای ما ریو دکه من لنین را در رل مغلوب میدیدم، او ذره‌ای هم بدآن بیسوا - با نیکه‌بسی از شکست ندیده‌وزاری میگفتند و ما بیوس میگرددند شبا هت نداشت. سکس، شکست، لنین را به یک پا رجها نرزی بدل ساخته بود که به طرف مسدا را ن خود برای ما رزب جدید و سروریه‌ای آبنده‌الهام می‌بخشید... من بخاطر دارم که چگونه ما نندگان بلشویک در گوشه‌ای جمع شده بودیم، به لنین نگاه می‌کردیم و از او منورت می‌طلبیدیم. در شطقی‌های بعضی از نمایندگان آنارخستی و افسردگی هویدا بود. سیاه‌دارم که چگونه لنین در پاسخ اینگونه نطقها با لحنی نسن‌دا رزیر لب زمزمه کرد: "ندیده‌وزاری نکنید، رفقا، بطور یفنن بیروزی با ما ست، چون حق با ما ست."

استالین درباره اصولی بودن لنین میگوید: "پیشوایان حزب نمیتوانند عقاید اکثریت حزب خود را دقتیمت نند، اکثریت، نیروی است که یک پیشوای نمی‌تواند آنرا بسا بنیا ورد. لنین هم این موضوع را از سایر رهبران حزب کمتر نمی‌فهمد ولی لنین هرگز اسیرا اکثریت نمیشد، بخصوص وقتی که این اکثریت بر پایه‌های اصولی متکی نبود. در تاریخ حزب ما مواردی بسیار آمدیم که عقیده اکثریت با منافع آنی حزب، با منافع اساسی پرولتاریا نصادم میگردد، در چنین مواردی لنین بدون تردید، ممتماً به طرفداری از اصول، علی‌به اکثریت حزب برمیخواست. علاوه بر این او در چنین مواردی ترسی نداشت از اینکه به تمام معنی بگفته علیه همه اقدام کند و حسابش، بطوریکه اغلب در این باره سخن میگفت این بود که: "ساست اصولی یگانه سیاست صحیح است."

استالین در این مورد دو سال می‌آورد که یکی از آنها را نقل می‌کنیم:

"در دوره سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۱۲ در بحیر حه جنگ امیریا لیبستی بود، هنگامیکه کلبه‌ها تقریباً کلیه اجزای سوسیال دمکرات و سوسیالیست سر مست میهن پرستی عمومی شده و به خدمت امیریا لیست میهنی کمر بستند، این دوره‌ای بود که بین الملل دوم پرچمی‌های خود را در مقابل سرما به‌هم کرده بود، هنگامی بود که حتی اسخا می‌از تسلیل بلخا نسف،

گاتوتسکی، گدوسا برین نیز در مقابل موج سونسم بنما نندند. لنین در آن موقع یگانه‌ایا تقریباً یگانگی بود که سبک مبارزه قطعی علیه سوسیال - سونسم روسیال - با سیفسم دست زده خیانتست کدها و گاتوتسکی‌ها را بر ملا میساخت و بر چهره ایس "انقلابیون" بمناسبت بی‌ثباتی و دودلی آنها ن داغ با طله میزد. لنین می‌فهمید که پشت سر وی یک انقلابی‌نا چیزی است، ولی این موضوع برای او دارای اهمیت فطری نبود، زیرا او میدانست که یگانگی سیاست صحیحی که آبنده از آنست، سیاست انترناسیونالیسم بنگیرا ست. زیرا او میدانست که سیاست اصولی یگانه سیاست صحیح است. بطوریکه میدانیم در اس کمکشن در راه انترناسیونال جدید لنین فاتح درآمد."

لنین به نیروی خلاق توده‌ها ایمان عمیقی داشت، استالین درباره این خصوصیت او میگوید: "من انقلابی دیگری را نمی‌شناسم که مناسبت لنین به نیروی خلاق پرولتاریا و ملاحیت انقلابی عریزه طبقاتی او باشند، رهبران عمیق‌دست‌ها شد... بی‌اعتنائی لنین نسبت به تمام آن کسانی که سعی میکردند از بالا توده‌ها نگاه کنند و به آنها از روی کتاب درس بدهند از آن جا است. اندر زده‌اشی لنین یعنی تعلیم گرفتن از توده‌ها، بی‌بردن به کنده اعمال آنها و بررسی دقیق تحریک عملی مبارزه توده‌ها از اینها سرچشمه می‌گیرد."

استالین درباره تزیینی و روشن بینی لنین می‌گوید:

"لنین برای انقلاب را شنیده شده است... در روز - های تحوّل انقلابی او به تمام معنی می‌توانست، روشن بین میشد، جنبش طبقات و پیچ و خمهای احتمالی انقلاب را از پیش حدس می‌زد، کوئی همه اینها را در کف دست خود می‌سند، بهیچوجه نیست که در مقابل جزئی ما گفته میشود "بلبلج قاندر است در مواج انقلاب ما نندما می‌ذرتاب شنا کند..."

فراتر از همه، استعداد او برای درک سریع و بی‌بردن مفهوم درونی حوادث و سبب الوقوع، این همان خاصیت لنین است که به او کمک میکرد تا در راه روسی که میباید بست در سر بیجهای جنبش انقلابی اتخاذ نمود استراتژی صحیح و خط مشی روشنی تعیین کند."

بقیه از صفحه ۱۲

## زیگزاگهای ...

می کند. هدف نهایی (هدف فنی آن چیست؟) آمریکا انجام یک کودتای نظامی و حین آن در کشور ما طی یک دوره فعالیت مقدماتی توطئه گرانه در خارج و داخل کشور می باشد ... (حقیقت ۴۵).

بر همین اساس نیرسار "در مقابل نهید اب آمریکا صلح سوید" را شعار روز خود قرار می دهد.

"حقیقت" سبب ترسب نه تنها آلترنا تیبوسازش میان دولت ایران با امیرالایم آمریکا بلکه محتمل ترین شیق ممکنه است، از دیده فرومی اندازد، بلکه در توضیح طرارت تهدید نظامی، گوی سقت را از خود رژیم هم می رباید. و اظهار می دارد که تا زه اگر رژیم هم قصد سازش با آمریکا را داشته باشد، آمریکا "سازش" نخواهد داشت! آمریکا که از هزار طریق و راه در صدد به سازش کشاندن رژیم کنونی ایران و خاتمه دادن به بحران کنونی است. سازش که به احتمال زیاد دیر یا زود رژیم نیز به آن تن خواهد داد. چرا که با مبحران رایبه هیچ وجه منفع خود نمی بیند. علاوه بر این "حقیقت" با توجه به ارزیابی از دولت رژیم کنونی ایران، نقق ابن "شعار" را از رژیم کنونی ایران طلب می کند. او من آنکه شورای انقلاب را متهم به نفهمیدن در سپای کودتای سبلی می نماید و به توصیه می کند این در سپا را بیا موزد، می گوید: "شورای انقلاب اگر راست می گوید، اگر واقعاً تجربه سبلی را مهمبده است، که ما شک داریم (۱۴)، بهیچراست فرمانی ما در کند، ... برای مقابله با توطئه های تاجا و زکا را نه و کودتا گرانها مبر با لیم و وابستگان مردم را آموزش نظامی داده و صلح سازد".

"حقیقت" با تبلیغ چنین نظرات بکجا نه نگرانهای دربار، داخل نظامی آمریکا، عملاً به آن اهدافی که رژیم از ایرانها انداختن چنین ها هوئی پیرامون این مسئله در سردارد، باری می رساند.

هیا هوئی که هفتس انحراف میان رزات مردم در داخل بر علیه حلیاب واقعی امیرالایم یعنی سرمایه داری وابسته و ارتجاع داخلی و وابستگان و هفتدستان آنها یعنی رژیم کنونی، و کشاندن آن بیک سمت کاد و غیر واقعی، می باشد. هیئت حاکمه می گوید در پس گرد و غباری که با ها هوئی تبلیغاتی خوبیلند کرده

بقیه از صفحه ۱۲

## لنین ...

مبارزات ایدئولوژیک لنین با انحرافات درون جنبش کارگری، سرختی و مقاوم و در کوبیدن بیرحمانه و بدون گذشت از هرگونه انحراف از منشی پرولتاریائی، بی نظیر است. در بررسی این مبارزات، او با بسیاری از همزمان قدیمی، و بسیاری از ما رکیستهای بزرگ (سابق) نظیر بلخانف و گاتوشکی، رودر رود با آنان به مبارزه برخاست، اما هیچگاه در استوارش بر اصول، تردید نکرد. همسر و همزمان در این باره میگوید:

"دوستی لنین با اسخا، هرگز تا سیری در کار و نظرات سیاسی او انداخت... وقتی که او از لحاظ سیاسی با شخصی قطع رابطه میکرد، رابطه شخصی را هم قطع مینمود. زیرا نشانی زندگی لنین با مبارزات سیاسی بستگی داشت، بنابراین غیر از این هم نمیتوانست باشد. بخصوص اگر این امر برای کسار ضرورت داشت. لیکن دوستی لنین با اسخا با عیب میشد که او نشانی با را که در حزب پیش می آمد، نه نهایت سختی و ناراحتی تحمل کند..."

لنین بزرگ ستمشقی است که نشان میدهد چگونه با پیدا ندیده بر توان پرولتاریا را به عمل در آورده و بدان ما دیت بخشید، او آنچه را که آموخته بود، در تحلیل واقعیات و در درک ضرورت از لایبالی حواد و اتفاقاتی که بر آن بیچیده است، بکار مبرید و بیسر اساس این درک به تنظیم رهنمود برای جنبش می برداخت. شناخت عمیق از ما رکیسم، عشق بی حد به پرولتاریا و جریان مبارزه سرخستا نه با تمام سیاسی انحرافات و در یک کلام مبارزه و قهقهتا پذیرد راه آرمان طبقه کارگر، توان شناخت عمیق قانوشمندی.

است، چهره سازنگار نه خود را بسواند. و راه حل سازش را مطمئن تر و راحت تر به پیش برد. و "حقیقت" نیز با دنیا لهروی از جهان "شعار" در بنیان سدن این چهره و دست ها بیش از پیش باری می رساند.



سخن را در اینجا کوتاه می کنیم. ولی یک نکته دیگر لازم است در اینجا متذکر شویم. مبارزه طبقه کار در داخل، بدون سک و علیرغم سنگ اندازیها، انحرافات جوشیها و ممانعت ها، به رسد خود ادامه خواهد داد. رکود بر جنبش ما به نخواهد افتاد و انقلابی جا معه را فرا خواهد گرفت. کارگران در کارخانه ها، دهقانان در روستاها، توده های با برهنه در شهر، و خلفها در مناطقی مختلف کشور، یک دم از حرکت نخواهند ایستاد و سطور روز افزونی مبارزات خود را بر علیه مظالم و استبداد میسر می آورند. شدت خواهد بخشید. هیئت حاکمه نیز بنا بر خصلت ارتجاعی خویش، علیرغم تمام مضعفها، تا بسا ما نیاید و بی ثباتی های درونی خود بدون شک، مدت زیادی حالت عقب نشینی را تحمل نخواهد کرد و دوره جدیدی را بر اساس یک تنها جمعه ها که منتهی خواهد شد. تا حتمی که بنا بر شرایط و مومعنت کنونی جامعه، سبک جنگ داخلی خواهد انجامید. این سرنوشت اجتنابنا پذیر و روندهای حرکتی است. که ما هیئت حاکمه آنرا بر جا معه تحمل نموده است و طایفه های آن از هم اکنون خود را نشان می دهد. اولین علایم جرخش های رژیم سمت یک تنها جمعه جدید، به خصوص در کردستان خود را می نما باند. و این با و روادا من می رنده جنگ فریب الوموع دیگری در کردستان شکل خواهد گرفت.

بر اساسی رفقای "اتحادیه" در این جنگ، جنگی که منوط هیئت حاکمه بر افروخته خواهد شد، چه موضعی را در پیش خواهد گرفت. چگونه خواهد توانست شناختن میان خصلت فدا میریالیسی رژیم و حداقل بخشی از آن را، با خصلت جنگ افروزی آن توضیح دهند؟ و سرانجام در برابر هجوم مسلحانه، چه خواهند گفت؟ با مبارزه "فدا میریالیسی" رژیم و جناح خمینی خواهد گذرد؟ ... اینها سوالاتی است که مواج اخیر "حقیقت" در ذهن بر می انگیزد و با سخ "حقیقت" بد این سوالات، در عرصه عمل نشان خواهد داد که حد برای این نشانی صفات آگاهی یافته است. ما نیز قضاوت خود را در این مورد، به آن زمان موکول خواهیم نمود.

کوشه همان حضور را، افکار را بنا کاد و مشعل هر مبارزه حق طایفه است. هر کجا که کارگران مبارزه میکنند، هر کجا که زحماتشان با خاسته اند، لنین بزرگ با چهره تا بنا کاد خود، با بیانی فراخ و با چشمان تیزبینش حضور دارد. جنبش کارگری جهان با نام او درهم آمیخته است. درست به همین سبب است که بورژوازی خود را با کارانه زینا نام و پنهان کرده و میکوشد با نام و اندیشه او، چهره بیرونی و خود را بزرگ نماید و بدین وسیله زحماتشان جهان را فریب دهد. بورژوازی میکوشد تا اندیشه های لنین را از جوهر انقلابی اش تهی کند، میکوشد تا تیزی شمیر اندیشه های لنین را کند کرده و آن را به سلاخی زنگ رده بدل نماید (کاری که رویزیونیستها میکنند) اما این کوششها بیپوده است. بسروزی نهائی با اندیشه رهاشی سخن پرولتاریاست. کارگران در خلال مبارزات خویش، دوست و دشمن را از هم باز خواهند شناخت و بکمک اندیشه های لنینی نقاب از چهره دشمنان خویش بر می دارند.



لنین در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ در اسمولنی قیام را رهبری میکند

بقیه از صفحه ۲

مروری بر ...

شورای مرکزی "حزب" را با دیگر رهبران حزب و نیز برخی دیگر از سردمداران رژیم فزونی بخشید و سرانجام نیز او را وادار نمود که در آخرین دفاع قبلی از روزهای گسری، با فضاحت تمام از محنته انتخابات کتار ره گیرد.

درواقع حمایت فمئی "حزب جمهوری اسلامی" از "حسن حبیبی"، ابن لیسرال "مهاجر" از زکسو و عدم حمایت آن از کاندیدائی عضو شورای مرکز سنی در انتخابات، سیانگری تقات بشمار و شکست سیاسی با ژهم سسترا بن نیرو در عرصه قدرت سیاسی کشور بود "حبیبی" که بطور مستقل کاندید شده بود در ظل حمایت

● دکتر آیت عضو فعلی شورای مرکزی "حزب جمهوری اسلامی" (و عضو سابق حزب آمریکائی "زحمتکشان ملت ایران" برهبری باقی) ، که در کنگاش برکناری "فارسى" و به پشتوانه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کناره گیری "فارسى" در انتخابات شرکت جسته بود از این "حمایت" برخوردار نگردد و همچنان منفرد و بی پشت پناه باقی ماند!

روحانیت و "حزب جمهوری اسلامی" ناگهان از یاتین ترین سطوح بدلا ترین مدارت با انتخاباتی پرتاب شد و در زمره کاندیدهای طراز اول، در کنار بنی مدرودنی قرار گرفت.

روحانیت نیز از این تناقضات و نابسامانیها برکنار نماد و اتفاقاً در این عرصه، شکافهای درونی روحانیت نیز بیش از هر زمان دیگر عریان گردید. کش و قوسهایی که بر سر انتخابات یک کاندیدای "مطلوب" و مشترک در میان ستون اصلی روحانیت وابسته به خمینی، یعنی "جامعه مدرسن حوزه علمیه قم" بوجود آمد، بسیار ناگرایین واقعیت بود. "جامعه مدرسن" در ابتدا به بنی مدرتمایل شد و از حمایت کرد، پس از مدتی اختلاف بر سر این کاندید با لا گرفت و شکافسی میان وابستگان "حزب جمهوری اسلامی" که "فارسى" را معرفی کرده بود و طرفداران بنی صدر را "جامعه" پدیدار شد. شکافی که از نقطه نظر آنها انعکاس "ناخوتای بندی" در سطح جامعه داشت. از سوی دیگر قضیه "ایرانی الاصل" نبودن "فارسى" مسئله ای بود که بر سر راه حمایت "جامعه مدرسن" از این کاندید مانع ایجاد میکرد. سرانجام و پس از کش و قوسهای فراوان و متوسل شدن به "امام"، سر و ته قضیه را بهم آوردند و بر سر کاندیدای سومی به توافق رسیدند و بدین ترتیب "حسن حبیبی" بعنوان "مطلوب" جامعه مدرسن و "حزب جمهوری اسلامی" مورد حمایت اینان قرار گرفت. حمایت این ستون اصلی روحانیت طرفدار خمینی از "حبیبی" موج وسیعی از حمایت روحانیون کشور را سرانگیخت، اما در عین حال و علیرغم کوششهای فراوان رهبران روحانی، با حفظ یکپارچگی روحانیت در این جریان، بخشهای بسیاری از جامعه روحانیت، از بنی صدر و تعدد معدودی نیز از "مدنی" حمایت نمودند.

عرصه مبارزات انتخاباتی شکافهای درون روحانیت و میان جناحهای متفاوت و گرا بشناسی مختلف را با ژهم عمیقتر کرد و یکپارچگی و وحدت کلمه "درونی" این "شهاد" را هافسانه شیرینی تبدیل نمود. نیروهای بورژواشی کشور (بورژوا لیبرال و

کمیرا دور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر "تیمسار مدنی" این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند. نیروهای بورژواشی پشت سر "مدنی" عمدتاً از راست ترین و ارتجاعی ترین جناحهای بورژواشی که با وابسته به امیرا لیسم هستند و با تمام آسکاری بدن دارند، تسکسل شده اند. "مدنی" چه رهنا شناسی نیست و کارنا همه درخشانی از جنابیت و خیانت در طی حکومتش در خوزستان سپهر اهدا رد، سرکوب و کستار خائنه خلق عرب، اعدام و بیهوش کشیدن مبارزین خوزستانی، سرکوب جنبش کارگری در جنوب و حمایت از ارتجاعی ترین و متفوتر ترین نیروها و عناصرت منطقه، جای هیچ گونه تردیدی در مورد "سرنامه" "سند" ان عنصر مزدور و "منت" مورد دعای او باقی نمیگذارد. این بقول خودش "دست بر قدرت امام" در این دوره کوشند تا با تکیه بر سزای مردم از هرج و مرجی که هم اکنون گرینا نگیرا معه شده است سوء استفاده از تمایل آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را با شلیکات فراوان، به آنها غالب کند، نظمی که تنها منافع راستترین جناحهای بورژواشی را در زرجتر "منت"

● نیروهای بورژواشی کشور (بورژوا لیبرال و کمیرا دور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر تیمسار مدنی - این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند.

خود حفظ میکند. "مدنی" با تکیه بر همین عوامل فزینی و نوا نسب، صرف نظر از میان واقعیس یعنی سرمایه داران وابسته و لیبرال، تاجا بزرگ با زاروزمین داران بزرگ، حمایت بخشهای وسیعی از اقاتار حرفه خرد بورژوازی غیر مذهبی (کارمندان ادارات، تکنسین ها و...) را بخود جلب نماید و همین قدرت گیری، جناح دیگر بخصوص روحانیون وابسته به جناح آیت الله خمینی را که از همان ابتدا نمیتوانستند به چنین فردی اعتماد داشته باشند، به تکیه بوانداخت. آنها برای عقب راندن و منزوی کردن وی به شیوه های متعددی از جمله امسای ماهیت و عملکرد های او در طی دوره زمانه اش در خوزستان و نیز پیشینه سیاسی، دست زدند.

موج افشاکری ببرامون او، از سوی وابستگان این جریان بالا گرفت و "اسناد" و "مدارک" خبا نتهای و جنابتهای او یعنی فردی که در طی ۱۰ ماه "دست پر قدرت" همین رژیم در خوزستان و ارتش و... بود، بر ملا گردید. بطوریکه حزب جمهوری اسلامی نیز رسماً این اسناد و مدارک را در روزنامه خود، درج نمود. و سرانجام نیز از سوی "دانشجویان خط امام" که در چنین شرایط حاسمی معمولاً به یاری روحانیت جناح معینی از هبشت حاکمه می شتابد، خربه قطعی به "ا" و "وارد آمد، دانشجویان خط امام، پس از دو ماه استقرار در لانه جاسوسی، درست یک روز قبیل از انتخابات، اسناد و مدارک ارتباطات و سروسرگای "مدنی" را با سفارت آمریکا، فاش کردند و بدین ترتیب تا شیرات معینی در جبهه مبارزه انتخاباتی بزبان "مدنی" و در جهت کاهش نفوذ او اعتبار این مزدور خوش خط و خال، باقی گذاشتند.

مف آرائی نیروها با ورود مسعود رجوی به عرصه مبارزات انتخاباتی، چهره تازه ای بخود گرفت و

قطب جدیدی از نیروهای مترقی و دمکرات کشور، در برابر قطب ارتجاع و فدا انقلاب بوجود آمد. هیئت حاکمه که در ابتدا با دمکرات نهادی هیچ مانع فانونی بر سر راه کاندیدائی مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد، یعنی زمانیکه نیروی توده ای سزگی درست سراین کاندیداسیج گردید، از سر وحشت و هراس به تکیه بوا هتا دوسرانجام با توسل به "رای امام" و "حق فانونی" ولادت فقیه" این کاندید را از سر راه خود سرداشت.

بخش اعظم نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، با مع آرائی در پشت مسعود رجوی، در انتخابات شرکت هستند. این شرکت بنظر ما تا درست و یک تا کتییک ناصح بود و سروسروا قعات نیز بر عدم صحت ابسی نا کتییک ثوابی داد، تمام دلایلی که نیروهای شرکت کننده (بطور عمده مها هدی و رفقای فدائی) در این انتخابات بدان توسل جستند، نمیتوانست جنبش شرکتی را توجیه نماید.

مهمترین دلایلی که این نیروها برای شرکت خود در انتخابات را با ست جمهوری ارائه دادند، ایجاد یک صف مستقل و مترقی و یک قطب انقلابی فدا میرا لیستی - فدا ارتجاعی در برابر بردمفوف نیروهای ارتجاعی و فدا انقلابی بود. مها هدیین ضرورت ایجاد یک "سقل انقلابی" در عرصه مبارزات انتخاباتی "به زیان امیرا لیست ها و پاپا ههای امروزه فدا یان" را به عنوان مهمترین دلیل این شرکت خود ارائه دادند (نقل قولها از سرفقاله مها هشماره ۱۸). رفقای فدائی نیز دلایل شرکت خود را چنین بیان کردند: "ما نه با مید پیروزی

● مدنی در این دوره کوشید تا با تکیه بر بیزاری مردم از هرج و مرجی که هم اکنون گرینا نگیرا جامعه شده است، و سوء استفاده از تمایل آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را با تبلیغات فراوان به آنها غالب کند، نظمی که تنها منافع راست ترین جناحهای بورژواشی را در زیر چتر "امنیت" خود حفظ می کند.

کاندیدای مورد پشتیبانی خود بلکه با تکیه بر فضای کاندیدای فدا کارگری، با استفاده از زمستگیری این صف ترقیخواه و راه دیگال، با تکیه بر بیایا سردن آگاهی شده ها در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه امیرا لیسم و سرمایه داری وابسته و تا کند بر ضرورت تا مین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده ها، در انتخابات شرکت مینما شیم و بر همین مبنا از مسعود رجوی کاندیدای سازمان مها هدیین خلق ایسران پشتیبانی می نمائیم. (کارشماره ۲۲).

اگر از استدلالات دیگر که خود جای حرف دارد، بگذریم مهمترین دلیل این شرکت، بخصوص با توجه سارمقالاب اسن سازمان در راه انتخابات ریاست جمهوری، حول ایجاد یک قطب فدا میرا لیستی - فدا ارتجاعی و مترقی در برابر ارتجاع و امیرا لیسم دورمی زند. شکی نیست که ایجاد چنین قطبی در جامعه، بخصوص در شرایط امروزین ما، بسیار نیکو و مطلوب است و بجزرات متوان گفت که به مکی ار ضروریات مبارزه طبقاتی و انقلابی درجا معتمدبیل گشته است. لیکن حرکت نا درست از آنجا آغاز نمیشود که میخواهد این قطب و بلوک انقلابی و مترقی را بر

زمینه‌ای که قدرت سیاسی حاکم کشور است، بوجود  
سیاورد، زمینه‌ای که امکان "ناوروی" آن هدف  
متعالی در آن وجود ندارد، زمینه‌ای که ادب و غیر  
واقعی که در اساس با هدف مورد نظر در تضاد قرار می  
گیرد.

متمرکز کردن و تقویت قطب انقلابی ورا دیگال  
جامعه، درجه‌بندی رلمان‌تاریستی ای که رژیم‌گروه  
است، پیش از هر چیز تقویت رژیم و سوسه‌های

هیئت حاکمه که در ابتدا با دموکرات‌ناتسی  
هیچ مانع قانونی بر سر راه کاندیداتسی  
مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد  
یعنی زانیکه نیروی توده‌های بزرگی در پشت سر  
این کاندیداتسی بیچ گردید، از سر و دست و هراس  
به تکیه افتاد و سرانجام با توسل به "زای امام"  
و حق "قانونی" ولایت فقیه، این کاندید را از  
سر راه خود برداشت.

قانونی و فراخواندن توده‌ها بگردشود هم  
با رلمان‌تاریستی و رژیم‌مستی است. در توده‌ها نباید  
این توهم را دام‌ن زد که میتوان بر زمینه انتخابات  
ارگانهای اجرائی یک رژیم بورژوازی یک محور  
انقلابی موجود آورد و با احیاناً بر چنین زمینه‌ای  
مما رزه‌با ارتجاع و امپریالیسم راه پیش برد.  
بیک سرنام انقلابی جامعه عمل پوشانید، قرا  
خواندن تمام نیروهای انقلابی و توده‌های مردم،  
بخاطر "ناوروی" انقلابی، یک چنین انتخاباتی بورژوا  
شی ای یعنی استدلالی که مجاهدین بدان توسل  
میجویند، یک تاکتیک رژیم‌مستی و تبلیغ شیوه‌های  
رژیم‌مستی است. مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع  
رانمیتوان در صحنه مبارزه انتخاباتی پیش برد،  
صحنه اصلی چنین مبارزه‌ای آن عرصه‌ها شی است که  
توده‌ها مبارزه واقعی و امیل خوش را به بیس  
میبرند، نقش "فعال کردن" توده‌ها نمیتوانند مملاک  
چنین شرکتی باشد، با بددیدگی ای "فعال کردن" در  
جه زمینه، با چه شیوه‌ای و بخاطر چه هدفی صورت می

گرد. سوزواری سیزخواهان "فعال کردن" توده‌ها  
در عرصه مبارزه سیاسی است. اما تلاش او در اینست  
که توده‌ها را در عرصه‌های دلخواهش که همواره در برابر  
توده‌های گسترانند، "فعال" نماید. یعنی در عرصه  
های رژیم‌مستی، با سبب سوسله از ابتکار عمل انقلابی  
توده‌ها، که بطور قطع نافی هرگونه راه حل رژیم‌مستی  
است، جلوگیری، سوزواری صخرها که توده‌ها در  
انتخابات این یا آن فرد دلخواه بورژوازی، "آزاد"  
با شد و به هر قطبی بگراستند. چرا که او معط به قطب  
ها شی از آن شکل گیری و عری اندام مسده که تمامیت  
او را مورد تهدید قرار دهند، انتخابات اخرنیست  
بدون کم و کاست چنین حقیقتی را به اثبات رسانند.  
هست حاکمه در آن لحظه که خطر شکل گیری چنین فطنی  
را در عرصه انتخابات با احساس نمود، بدون یک لحظه  
درنگ و اقدام عملی شد و با توسل به شیوه‌های "قانونی"  
و امر "فقیه"، از ایجاد چنین قطبی جلوگیری نمود و  
نیروهای شرکت کنندنده را خلع سلاح کرد. ولایت  
فقیه "در آخرن لحظات و ارضحه شد و در میان بهت و  
حزرت نیروهای که معتقد بودند "آیت الله خمینی در  
برابر واقعیات مبارزه طبقاتی تسلیم شد و سراسر  
نخستین بار پذیرفت که "ولایت فقیه" در برابر سراسر  
مردم قرار دارد. (سرمقاله کار ۴۲)، "قانون خود  
را جاری کرد و برای جنمین بار نشان داد که  
"قشریت" نمیتواند و نتوانسته است "بسودا واقعیت"  
"نا شده" شود. (نقل قول از ضمیمه کار ۳۵).

ساری، ایجاد چنین قطبی زمانی میتواند  
میسرود مگانه در سوسده و معنای واقعی خود را با  
کده در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی و در اینجا اصول  
ارائه برنام‌مستی نیروهای مترقی و تبلیغ و  
ترویج آن در میان توده‌ها و از نظر تاکتیک بر محور  
تحریم و عدم شرکت در چنین انتخاباتی شکل می  
گرفت. عدم شرکت یکبارچه نیروهای مترقی و انقلابی  
که در عین حال توده‌عظیمی را هم بدنال خود می  
کشانند، نه تنها امپریالیسم و ارتجاع و نیروهای سد  
راه انقلاب را متفرد و منزوی میگرد، بلکه امکان  
واقعی شکل گیری یک زمینه مشترک بمنظور گردآوری  
دن تمامی نیروهای جنبه انقلاب، حول یک برنام‌

انقلابی را فراهم مینماید.  
بعلاوه اینکه توده‌ها را نیز از دل بستن به شیوه  
های رژیم‌مستی در تحقق خواسته‌های انقلابی خود  
با زبیداشت و عرصه‌های واقعی مبارزه طبقاتی و  
انقلابی را به آنها نشان میداد.

سهر صورت اکنون مبارزه انتخاباتی بیایان  
رسیده است و هما نظور که ما قبلانیز بیش بینی کرده  
بودیم (بیکار ۳۸) بینی صدر برنده خواهد شد، اما رئیس  
جمهور هر که میخواهد باشد، چرا که تا شرتعیین کننده

● "ولایت فقیه" در آخرن لحظات وارد صحنه شد  
و در میان بهت و حیرت نیروهای که معتقد  
بودند "آیت الله خمینی در برابر واقعیات  
مبارزه طبقاتی تسلیم شد و برای نخستین بار  
پذیرفت که "ولایت فقیه" در برابر اراده مردم  
قرار دارد. (سرمقاله کار ۴۲)، قانون خود  
را جاری کرد.

ای در وضعیت نا بسامان رژیم باقی نخواهد  
گذاشت. روند واقع سیاسی جامعه، از آنجا خواهد  
داد که رئیس جمهور آتی، "نظم" و "امسبت" مطلوب  
خود را که تقریباً مورد تکیه شما می نامده‌های  
انتخاباتی است، برقرار سازد. نه سراسر آتی جنبش  
انقلابی توده‌ها، و نه موقعیت بهم‌باشیده قسدرت  
سیاسی و نا همگونیهای فزاینده درونی آن، جنین  
جسم اندازی را ترسیم نمیکند. آنچه که میماند این  
است که نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، بتوانند  
با اتخاذ یک تاکتیک صحیح و متناسب با وضعیت  
کنونی، با کوشش در صدد رفع برآکنندگی خود و فرا هم  
کردن زمینه‌های یک قطب انقلابی در جامعه و نه تنها  
گردآوری و گردن توده‌های وسیع مردم، بگردان  
انقلابی، جامعه را از گرداب هرچ و مرج و نا بسامانی  
و از خطر فرو افتادن به دامان "یک نظم" ارتجاعی و ضد  
انقلابی (آنطور که مثال تیمسار "مدنی" در نظر  
دارد) رها نیند و بسمت استقرار یک "نظم انقلابی"  
سوق دهد. آری، چنین چشم اندازی به همت تمامی  
نیروهای انقلابی و فدا امپریالیست بستگی دارد!

آغشته‌گرایش‌های انحرافی شبه تر و تسکیتی و  
سکتا ریبستی بود، مجاهد شهید مرتضی همانند ما هد  
شهید شریف واقعی در معرض توطئه‌ای ضد انقلابی قرار  
گرفت. مرتضی در نتیجه این اقدامات انحرافی  
که با رها با تطبیل علل آن از جانب ما محکوم شده  
است. مجروح شد و بعد با سرت رژیم درآمد. ولسی  
علیرغم شکنجه‌های سخت سال ۵۵ که در نوع خود کسم  
نظیر بود، در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم  
آمریکا و رژیم وابسته بدان، تا آخرن نفس دلیرانه  
مقاومت نمود. این موضعگیری، برای کلیه نیرو  
های انقلابی مستواند درس باشد. با داین مجاهد  
خلق از خطر راه فراموش نخواهد شد!

### یاد مجاهد شهید مرتضی صمدیه لباف گرامی باد

ایران، به مبارزه انقلابی و آشتی ناپذیر خود ادامه  
داد. کینه عمیق او به دشمن خلق و ممتق آتشین او  
به توده‌های ستمدیده و بیپناش انقلابی اش در او جساتی  
قابل تحسین سوجود آورده بود، او در چندین عمل  
نظامی که در آنروزها علیه دشمنان خلق از سوی  
سازمان مجاهدین خلق انجام میشد شرکت داشت.  
در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین و  
تغییر ایدئولوژی شخصی از اعضای سازمان که  
سنگگیری بیولتری داشت ولی از نظر رهبری شدیداً

صیحه سوم بهمن ماه ۵۵، مجاهد شهید، رزمنده  
دلبر و مقاوم؛ مرتضی صمدیه لباف، همراهِ تنسی  
چند زهمرزمانش، پس از ماهها تحمل شکنجه در  
زندان شاه به جوخه اعدام سیرده شد و خون پاکش در راه  
آرمان دموکراتیک - فدا امپریالیستی توده‌های  
ستمدیده ایران بر زمین ریخت.  
مرتضی، مجاهدی قهرمان بود که چندین سال  
در شرایط سخت سالهای ۵۰ با رژیم وابسته امپری  
یا لیسم شاهان در درون سازمان مجاهدین خلق

### گرامی باد خاطره رفقای شهید

سوم بهمن ماه امسال سالگرد شهادت رفقا  
منیزه اشرف زاده کرمانی، محمدظهر رحیمی و  
محسن بطحایی است. چهار سال پیش در این تاریخ  
شاه جلا و سرسپرده آمریکا، این رفقا را همراه  
۴ رزمنده دیگر بجوخه اعدام سرد. نادانان  
گرامی باد. (با دانستن این رفقای شهید را در  
شماره‌های بعد می‌خوانید.)

### دستیگیری يك مبارز حرفه‌ای

مبارز با سابقه، رفیق محمد زیدانیا مدتی  
است که بدون هیچ دلیلی دستگیر گردیده است و  
اکنون در زندان‌های رژیم بسر می‌برد.  
رژیم، ساوکی‌ها و امرای سرسپرده و مزدور ارتش  
را آزادمی گذارد، شوربسیں‌های رژیم‌ها هشتا‌هی

نظیر احسان نراقی را با وساطت آقای بنی صدر دوست  
دیرین وی آزادمی کند، اما سارزنی حنون  
یزدانیا را در زندان نگه میدارد. ما خواستار آزادی  
فوری او هستیم.  
دستگیری این مبارز سوسط (گروه) اتحاد  
مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر مورخه ۵۸/۱۰/۲۴  
اعلام شده است.





بقیه از صفحه ۲

جنگ قدرت ...

بخواست خودآمای مدنی صورت گرفته است ، طامعاً  
نزعاً اینان خواست آفای مدنی واجب الاجرا تر از  
خواست میلیونی ها ایرانی است که خواهان امتیازی  
کلیه سنا دومدارک رژیم گذشته اند |

دانشجویان خطا اما محنی بخاطر "رفع اتهام"  
از سرخی عناصر آمریکائی حزب جمهوری اسلامی، اس  
حزب رسوا، ارفول یکی ارحا سوسان سا (لسنگن )  
نقل میکنند که "روزنا مه جمهوری اسلامی دشمن  
دربینه آمریکا است" گوئی مردم ایران این حزب  
حلقی الساعه وگردانندگانش را نمی سنا سند ونمی -  
دانشگاه اس "دشمن دربینه آمریکا" در واقع کمتر  
ایرکیسال است که موجودیت بائنه است! لابد وقتی  
گردانندگان سنا زو سفروس این حزب در سرفا لسه  
مورخ ۵۸/۱۱/۲ ارگان خود از دانشجویان پیرو خط  
اما می خوا هند که مدارک و سنا در سرفا لسه حرس  
جمهوری اسلامی (الستد فقط مر سوط به این حزب) را  
افشا کنند، این فسل اسنا دروغین را در نظر دارند!  
بهر حال آنچه که در اسن میان اهمیت دار است  
که بطور روزافزونی ما هست واقعی عوا مفریبان و  
خائسنی که به اعتبار توهم بوده ها بر مدارات کشور  
حاکم شده اند ، سر ملا میشود . توده ها اکنون سدر سرج  
به صحت داری کمونیستها ایما ن آورده و در می یابند  
که آنها که قدرت سیاسی را در دست دارند ، بسیار  
نا توان و نرود در ست ترکیب توهم مردمی سر آرا نند که  
جوابگوی حتی بخشی از خواهشهای اساسی زمکسان  
باشند . آنها در می سنا سنا که اس کمونیستها سوند که  
از همان آغاز ، امیرانتظامها ، مدنی ها ، بارگان ها  
و سربعتمداری ها ، بیخشتی ها و جمران ها را بر حمانه  
افشا میکردند و آتی این خیانتکاران را راحت نمی-  
گذاشتند ، می بینند که این کمونیستها هستند که  
مردوران امیرالیسم را در هر لباسی که باشنند  
بخوبی تمیز داده و سی کمترین تردید در مقابل  
توده ها رسوا یما ن می کنند . آری تنها و تنها نیغ  
افشگری کمونیستها ست که همواره بر است

بقیه از صفحه ۴

عوامل هیئت ...

خود بر سنا ، گذشته از این ، کار آنها بنوعی رف و آند  
افسر مدگورو سنا را ن را در محیط کارخانه رسمیت می-  
داد .

سرانجام در این روز تصمیم گرفته می شود که  
سورائی موقت برای چند روز تشکیل شود تا به کارها  
رسدگی کند و در همین مدت کارگران سنا سنا گان  
واقعی خود را انتخاب کرده و شورای دانشی واقعی -  
شان را بوجود آورند .

متاسفانه بیعت توطئه های عوامل کار صما ،  
انتخاب نماینده ها نه سنا سنا سنا دکارگران در هر  
قسمت بلکه براساس قدیم و جدید بودن آنها انجام می-  
گیرد ، به این ترتیب تعداد نماینده های کارگران  
جدید (که از نظر تعداد داخلی بیشتر از کارگران قدیم  
هستند) با تعداد نمایندگان کارگران قدیم برابر  
می شود .

این کار درست کمابین اشکال را داشت که از نقش  
کارگران جدید (که خواهان سنا های مترقی سرواگاسی  
بیشتری نسبت به کارگران قدیم دارند) در شورا  
می گاست .

بهر حال شورای موقت با ترکیب ۴ نماینده

بقیه از صفحه ۹

آمریکا زیر ...

مستعمره آمریکا نقش فعالی در دعوت به این گروه-  
آئی بعهده دارد ، قضا دخالت نظامی سو روی مسئله  
روزا س و مکان انعقاد کنفرانس شهر "اسلام" آباد  
پاکستان و هدف ، حمایت از اسلام و مسلمانان در  
مقابل کمونیسم ! و مقابله با شوروی .

از نظر خلقهای مستعمره و مبارزان منطقه که در  
ایران و دیگر کشورها ، خشم انقلابی خود را علیه  
امپریالیسم آمریکا نشان داده بر بیگانه و سرمایه-  
داری وابسته صراحت در دنیا کی وارد کرده اند ، بدون  
شک در حالت نظامی در افغانستان سونا دیده گرفتار حق  
تعمین سرخوش خلقهای این کشور محکوم است ،  
ابا تقویت نیروهای ارتجاعی این کشور ، آموزش  
دهها هزار تن مزدور در پاکستان و با تحریکات مداوم  
علیه نیروهای مترقی افغانستان و انواع کمیک  
به نیروهای ارتجاعی این کشور سوسله ایران نیز  
محکوم میباشد . مردم ایران فراموش نمیکنند که  
حکام جدید ایران از ابتدای بددورت رسیدن سنا  
امروز چگونه در ایجا دارضاظ و بیوند با مرتجعترین  
نیروهای دست راستی مذهبی منطقه تلاش کرده اند .  
آنها از حزب "العوه" عراقی ، حزب التحریر و "امل"  
لبنان و حزب حما عمالطنما پاکستان و اخوان -  
المسلمین افغانستان و ... دعوت بعمل آورده و با  
آنان علیه جنبش مترقیانه خلقهای منطقه (حتی  
علیه خلقی فلسطین) توطئه ها جیده اند .

کنفرانس اسلامی پاکستان تلاشی اس از سوسی  
آمریکا و دستبازی سعودی و میماننداری پاکستان  
و با دوستی و ریرخا رجه ایران ، قطب راده اس گرد -  
هم آئی که از سوی کشورهای عربی مخالف با سنا د  
بسیار نه همزمان بودن تشکیل کنفرانس با روز عادی  
سدن روابط بین مصر و اسرائیل به عقب انداخته شد ،  
هم اکنون قراست با تلاش ارتجاع ، شبه ایگرو و دیرتر یعنی  
در سمن بهمن ماه تشکیل سود ، موضع وزارت خارجه  
ایران و همدستی آنکاربا آمریکا خنجر ای سنا که این  
سارازورسرو - ونه از پشت ، مانندا اغلب سناستهای  
رژیم جمهوری اسلامی - سسینه ز حمتکمان ایران  
که عمیعا سنا امیرالیسم و فدا رتجاع میباشد ، زده  
میشود . وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران سنا  
سنا رکن خود در این کنفرانس ، ایران سنا ز میسم  
بهمن ماه را ، رسماً بهر گره دوستان و همسنا سنا ن

از کارگران جدید و نیز ۴ نماینده از کارگران قدیم  
تشکیل شد .

پس از دوروز تعطیلی هنگامیکه روز شنبه  
۵۸/۱۰/۲۹ اعمای شورای موقت برای شروع کارشان  
به کارخانه می روند اما نعت اعمای شورای سوسی  
روبرو شده و از طرف عده ای از کارگران قدیمی که  
تحریک شده بودند ، کتک می خورند .

آنروز هم چنین "بگاشی" و سنا را نس با نقشه  
قبلی به کارخانه می ریزند و صمن مصروب کردن یکی  
از کارگران ، نما بندگان شورای موقت و چند کارگر  
مبارزان سنا دستگیر و به کمیته می سرنند . در آنجا پس  
از ساعتی با زوجی و گرفتن تعهد ، بغیر از زکنفر  
که اینک در زندان به سر می برد ، سفیه را بطرز مشکوکی  
آزاد کرده و آزانان می خواهند که روز بعد به  
کمیته مذکور سربزنند .

اسن اولین بار و آخرین بار است که عناصر  
مزدوری چون "بگاشی" سنا رزات کارگران را سرکوب

آمریکا در می آورد و در کنفرانس سعودی ، پاکستان ، مالی  
و سواالی وسادات خائن قرا میگیرد .

توده های مستعمره و سنا سنا سنا سنا و کلیه  
نیروهای مترقی و کمونیستهای ایران ، امیرالیسم  
آمریکا را دشمن اصلی خلقهای ایران میدانند و  
سازگردانند ایران به گردونه آمریکا را نحب هر  
لوا و سربوسی که با شدخیا سنی بزرگ تلقی مینمایند  
ما علیه سوسیال امپریالیسم سو روی سنا زده میکنیم  
ولی هرگز از زده نخواهیم داد که قدرت ارتجاعی  
حاکم بر ایران زبزلوای مبارزه با نفوذ ارتجاعی و  
سلطه سو روی ، اذنان توده ها را از مبارزه بر علیه آمریکا  
منحرف سازد . خلقهای ماهمیا لکی های سادات و ضیا الحق  
و ملک خالدا بز سنا لهدان تاریخ خواهند افکنند و  
"سنا اسلامی" سرگردگی آمریکا را مانند کلیه  
سنا نهایی سنا سنا : سنا سنا ... سنا سنا سنا سنا .

امپریالیستها ، اکنون پس از تجربه ایران و  
مطالعات ممتد و گسترده ای که در قبال نقیض  
مذهب در ایران و دیگر جاهای منطقه بعمل  
آورده اند ، به این نتیجه می رسند که باید زیر  
پرچم "الله" رفت !

در پایان سنا سنا نکته سنا سنا سنا سنا  
ارتبروهای مخالف تشکیل اس کنفرانس ، سنا را سنا  
توهم اند - نومی که انعکاس موضع طبقاتی  
آنهاست - که کویا بک بلوک بندی اسلامی متشکل از  
با اصطلاح کشورهای مسلمان میتواند بوجود آید . اس  
این خیالی است قدیمی از دوران سد جمال الدین  
اسدآبادی که در فکر متحد کردن سنا را لدین شاه و  
خلیفه عثمانی زیر عنوان اتحاد اسلام بود ، سلوک -  
بندی کشورها براساس مذهب نه تنها نقش مترقیانه -  
ای نخواهد داشت بلکه اصلاً عطلی هم نیست .

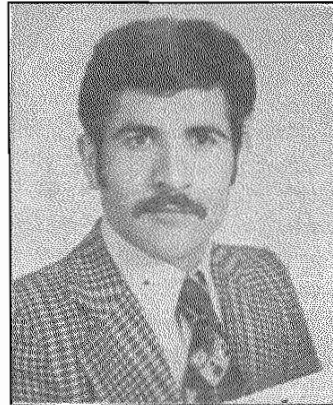
روئای مذهبی جربانات تاریخی حتی اگر به  
صورت جنگهای چندساله در آید جز سنا کلی از مینا زرات  
طبقاتی نیست هما نظور که جنگهای ۲۰ ساله آلمان  
ببین سروتستاها و کاتولیکها و با جنگ سینه و سنی  
در آستانه تشکیل دولت صفویه جز مینا رزه طبقاتی نبود .  
در اینجا بهمین اشاره سنا کرده ، بحث آنرا  
به فرصتی دیگر موکول می کنیم . ۱۳۵۸/۱۱/۶

می کنند ، در همین چند ماه پس از قیام و در جمهوری  
اسلامی ، سنا رها و سنا رها سنا رها سنا رها سنا رها  
سخن کشیده شد و با هم خوا هشد . در این میان کار -  
گران امکان می یابند که دوستان و دشمنان واقعی  
خود را بهتر بشناسند ، کارگران کارخانه قرقه زینیا  
در همین دوسه روز بسیاری چیزها آموختند ، آنها در  
عمل مشاهده کردند که سیرپین زیانهایی عوامل کار -  
فرما و هیئت کارخانه جز برای فریب آنها نیست ، با سنا  
همه آنها وقتی گه نتوانند سنا فریب مبارزان کارگران  
را به بین سنا بکمانند ، تنها سرکوب است ، سرکوب !



طبقه کارگر در مبارزه با  
علیه سرمایه داری سلاخی  
بهنتر از سنا سنا و  
تشکیلات ندارد .

## گرامی باد خاطره رفیق شهید جواد چایچی عطری (جمشید)



و نیروی خود را در راه منور شدن اهداف انقلابی خود به کار گرفت و سرانجام با نثار جان خود به مرگ شایسته انسانی و انقلابی خود یاسخت دست داد.

در سی و هجده سالگی از انقلاب سالهای ۵۲ - ۵۱، رفیق جمشید با سازمان مجاهدین خلق ایران آشنا شد و در پیوست و در جبهه رجوی ابدشولوزی مبارزه جویانه اسلامی مجاهدین سه مبارزه با رژیم پدیده، و بعدها همزمان با تغییر ابدشولوزی بخشی از سازمان مارکسیسم-لنینیسم این تنها ابدشولوزی طبیعی کارگزار پذیرفت و از آن بیعت در بخش منتهی از این سازمان به فعالیت انقلابی خویش ادامه داد. رفیق معتقد بود تنها ابدشولوزی ای که میتواند منافع طبقاتی رگروندهای زحمتکش را نمایندگی کرده و در راه تامین این منافع هیچ تضلیل و سازسی خود

اول بهمن ماه ۵۸ مصادف است با دومین سالگرد اسارت رفیق شهید جواد چایچی (جمشید)، فرزندی قهرمانی که برای رها شدن زحمتکش در پیشگاه خلق سیما بسته بود که تا آخرین نفس صمیمانه و آشتی ناپذیر در این راه خونین پای فشرد.

در آن زمان که رژیم وابسته به امپریالیسم ساهی، سنجدهای اهریمنی خود را در حلقوم هر آزادیخواهی فرومی برد و اسارت و شکنجه و قتل و ترور خلق و انعلا بیون از جایع عادی و روزمره رژیم سفاک و ضد خلقی سهلوی سده بود، تا امپریالیسم و سرمایه های وابسته بدان بتواند ننده هر چه دسترخون زحمتکش را میهن ما را بکنند و جنبش های حقیقی را با تلبا نه زحمتکش را یکی بس از دیگری در معرض سرکوب و حشیا نه قرار می گرفت، در آن زمان که بسیاری از قدرت رسیدگان امروز در لانه های خود به "تقیه" نشسته آه های یاس بر آری توده های می خوانندند.

آری در آن زمان، بسیار بودند انقلابیون و رزمندگان راستبینی که برای دگرگونی این نظام و قطع سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بیبا خاسته بودند تا سیشا پیش خلق و همراه با آنان طوما رجات تنگین و فدمردمی رژیم را درهم نوردیده آنرا ب خاک بسپارند.

رفیق جواد چایچی (جمشید) یکی از این دلاوران بود که معتقد بود برای نجات توده های زحمتکش جز مبارزه بی امان و آستی ناپذیر هیچ گونه راه مسالمت آمیز و سازشکارانه ای نمیتوانست وجود داشته باشد. و بر همین اساس بود که تمام توان

"پرچم سرگرسن ما به وحش استمنا رگران و عمارت روان است که می توان خلوس را گرفت و برحمی و الا نرسای کارگران! پس بار و بارم، خواهی دید عمارت و بار، هر کجا که باشی در این مساره، که پانان خواهد گرفت، حرا بسروری ما، در سهرای جهان، در سهرای کارگران.

(برتولت برنت)

سخن از رفیق شهیدی است که آگاهی انقلابی را در آغوش مادی مبارز و در کنار برادرانی افتخار آفرین چون احمد رضا و مهدی رفائی آموخت. کینه مقدس علیه رژیم وابسته به امپریالیسم هاشمی را در اعماق وجود خویش حس کرد و زندگی خود را هم چون آنان با عشق به خلق عین ساخت.

رفیق شهید مدیقه را طی پس از سال ۵۵ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و با صداقت و هوشمندی و ذکاوت و زیرکی خویش از رژیم آوران فعال و دلیرا انقلاب دموکراتیک - خدا میرا لستی میهن ما گشت. در آن روزهای سخت که تنها امید منشا نه ساواک، حتی اندبیدین بعمل انقلابی را برای بسیاری از مخالفان رژیم صری دشوار ساخته بود، و به وظایف خطرناک انقلابی خود ماسقا عمل میکرد و چشمه مند به طلوع جورد آزادی ستمدگان جامعه ما داشت. شهادت برادران، زندانی شدن خانواده، صراحت و اراده بر سازمان و شهادت بسیاری از همزمان را با شکیبائی و با امید فراوان به بیروزی حتمی خلق، تحمل کرد و در راه تحقق آرمان انقلابی خود و

### گرامی باد خاطره رفیق شهید مدیقه رضایی

★

سازمان خویش و در راه دستیابی به عالی ترین اندیشه و برنامها انقلابی که تضمین کننده نهائی و حتی آزادی زحمتکش و کارگران باشد لحظه ای درنگ نکرد.

رفیق مدیقه، طی چند سال فعالیت انقلابی خود، وظایف خطیر و موفقیت آمیز فراوانی را انجام داد. هشیاری، ابتکار عمل و تحرک نجسین آمیز او در خاطر همزمانی که او را از نزدیک می سناختند همواره باقی است. آنها نقش اصلی رفیق مدیقه را در فرار معروف رزمنده مقاوم اسرف دهقانی از زندان در سال ۵۲ سنجور بسته ای یاد میکنند.

در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین در سالهای ۵۴ - ۵۳ که منجر به تغییر ابدشولوزی بسیاری از رفقای همزمره گردید، رفیق مدیقه - اندیشه فزینمون پرولتاریا یعنی مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان ابدشولوزی خویش برگزید.

رفیق مدیقه در بهمن ماه ۱۳۵۴ زمانیکه سس از ۲۰ بهار از عمر بر سرش نمی گذشت در حین انجام یک ماموریت انقلابی در محاصره ما مورین جلاد ساواک گرفتار آمد. و در زیر شکنجه بشهادت رسید. خاطره اسارت گرامی باد

راه ندهد، همانا ابدشولوزی مارکسیستی لنینیستی می باشد. پذیرش این ابدشولوزی، برای او آنگاه اهمیت ویژه و مضاعفی بخود میگردد که مخصوصا اوس از یک دوره مبارزه انقلابی در زیر لوای ابدشولوزی اسلامی مجاهدین و کوشش در راه انطباق دادن آن با پدیده ها و قانومندیهای اجنماعی به حقا نیست و درستی ابدشولوزی مارکسیسم لنینیسم دست یافته و آنرا تنها سلاح علمی و برابری در مبارزه ضد امپریالیستی در مبارزه طبقاتی و در راه قطع استعمار و سرکشی میدانست.

آری او براساس باور و بود و چه فرمائید در این راه مبارزه و علاقه هر چه مستر فضا لیت کرده و از ابد و آرمان خود دفاع میکرد و سرانجام در راه به بیروزی زحمتکش و رها شدن آنان از ستم امپریالیسم و بورژوازی وابسته، بسپا دست رسید. بادش گرامی باد.

رفیق شهید جمشید، در بخش ارتباطات سازمان مشغول فعالیت و ارتباط سازمان (بخش داخلی) و بخش خارج کشور آن بود. در آن زمان که ارسال مدارک (اخبار روسا مثل جنش، مدارک درون سازمانی و...) به خارج و نیز آوردن مدارک و انشای راتی که در خارج به مقدار فراوان چاپ و منتشر می شد به داخل، از اهمیت زیادی برخوردار بود. رفیق جمشید این وظیفه خطیر را سندها ست. وی علاوه بر اینها، در آوردن اسلحه و مهمات لازم... از خارج و نیز آوردن و بریدن برخی از رفقای مخفی سازمان از مرز بطور قاچاق، نقش بسیار فعال و ارزنده ای برای سازمان داشت. او چندین بار از خطر درگیری و نیز تعقیب و بسگرد زاندا ر میهای مرز ایران و ژاندار میهای ترکیه و نیز قاچاقچیان مشکوک (که با پلیس همکاری می کردند) جان سالم بدر برد و محمولات خود را بدست رفقای سازمان رساند.

رفیق در تاریخ ۳۰ دیماه ۵۶ سب هنگام بسا مقادیری مدرک و سلاح از یکی از دهات مرزی ترکیه عبور کرده و از یکی از دهات مرزی ایران می شود. فدای آنروز در سن راه مورد سوءظن ژاندار میهای گشتی قرار گرفته و به بسا سکا بده می شود. از این بسند خبر دیگری بدست ما نرسیده و از چگونگی ماجرا بی اطلاع هستیم، همینقدر می دانیم که رفیق، کوچکترین اطلاعی بدست نداد و ده و هیجکس در رابطه با او لو نرفت است. او بداحتمال زیاد در زیر شکنجه های وحشانه ساواک شهید شده و به کاروان سیدان راه آزادی و استقلال میهن بسوخته است.

سرگذشت دلورانه و انقلابی این رفیق شهید و زندگی شرافتمندانه و افتخار آمیز دیگر انقلابیون و کمونسستها، مستحکمی است بردها نیا و گویائی که سعی در لووت کردن فعالیتها ی انقلابی آنها نموده و "سارزه" را صرفا در انحصار خود می دانند. آنها بخیال خام خود، کوششهای کمسو نیستند و در خدمت "فدا نقلاب" معرفی میکنند. آنها نمی دانند و نمی توانند تصور کنند هر سلاحی که در دست انقلابیون قرار میگردد و مغز و قلب آمریکای ثیان و عمال وابسته آنها را نماند نمی رمت بسا چه خون دل و زحمتی فراهم میسند و چه رزمندگان بزرگی در ای آن جهسا خان می باختند.

مبارزه زحمتکش و شیروهای انقلابی و کمو - نیست علم بر غم سد و رهایی از بسا ده سیس رفته و خواهد رفت و سرانجام دست امپریالیستها و مرتجعین را از جان زحمتکش و طبقات کارگزار کوتاه خواهد ساخت. ساخون رفیق شهید، جواد چایچی (جمشید) سمان می بندیم که در راه تحقق آرمان انقلابی او هرگز از بسا ننسنیم

## دهقانان مبارز! مردم زحمتکش محمودآباد!

در روز جمعه ۵۸/۱۰/۷ حمای بدستان " منصوری" (نامبرده از ملاکین معروف و از نزدیکان فاطمه سیهلوی بوده و با کمک وی حدود ۲۰ هکتار از اراضی مزروعی روستایان "چهارافرا" را تصرف کرده است) به عده‌ای از دهقانان مبارز چهارافرا که قصد احیای ۲ هکتار از اراضی جنگلی را داشتند، یورش برده و ۹ تن از آنان را مجروح می‌کند. سادخالبت با ساران چند تن از اجماعداران و خود منصوروی با زداست می‌خوند، لیکن با اعمال نفوذ "ناطق نووی" نماینده امام که خود از ملاکین بنام در منطقه است آزادی می‌شوند. این اقدام فدائیان انقلابی "خشم روستایان" چهارافرا را برمی‌انگیزد و به همین خاطر ۴ تن از دهقانان مبارز "چهارافرا" به عنوان "فدائیان انقلاب و خلالگر" دستگیر و هم‌اکنون در زندان بصری می‌برند.

هیئت حاکمه ضد خلقی و ایدای مزدور و علی‌رغم راهپیمایی تبلیغاتی وسیعی که مبنی بر "واگسذاری زمین به دهقانان و حمایت از آنان" و "مبارزه علیه فئودالیسم" برپا شده است، این بار نیز چگون هزاران هزار نمونه‌های دیگری آزاد کردن منصوروی و چاقا رانش و دستگیری دهقانان مبارز، حمایت خالمانه خویش را در جهت تامین منافع زمینداران بزرگ و مالکین ارضی ثابت نموده است.

این نمونه‌ها (که در واقع مستی از بسی - شمارخواه‌هاست، گواهی است بر اینکه دهقانان رنج‌دیده ما نه‌باید دروغ‌گوینان از پیش رسوا شده، بلکه باید نیروی لایزال و اتحاد دهمبستگی خویش متکی بود و بی‌گیرا نه بهیمرها که رگران و سایر قشار زحمتکش در جهت کسب حقوق حقه خویش و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، گام بردارند.

مطلبی که در بالا ملاحظه نمودید، قسمتی است از یک اعلامیه است که از طرف حوزه ما زندان ساژمان، در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۴ منتشر شده است

## دهقانان مبارز! "ارمکلا"!

اقدام انقلابی و بی‌حق‌تان در تصرف ۱۵ هکتار از اراضی مصطفی‌خان‌آهی، قبل از هر چیز نشان می‌دهد که شما بهیچوجه به عوام‌فریبی‌ها و راهپیمایی تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی در سارده "مبارزه با فئودالیسم" و "انجام اصلاحات ارضی" و ... توجهی نکرده و با تکیه بر اتحاد دهمبستگی و نیروی لایزال خود، مشت دروغ‌گوینان با زخم‌ده و رسوا بشان می‌کنید.

حرکت درست و آگاهانه شما در مورد انتخاب نام - بیندگانتان با رد دیگران حقیقت آشکارا ثابت نموده که توده‌های زحمتکش در راه کسب حقوق حقه خویش سلاحی جز سازمان دادن مبارزات خود، اتحاد و همبستگی ندارند ...

این شما هستید که از با متاشام، درگرم و درسرا با سختی و مرارت بر روی زمین زحمت می‌کشید، نه گردن کلفت‌هایی چون آهی‌ها و ... که با زور و اعمال نفوذ و با حیل‌های مختلف حقوق حقدان را از چنگ - تان درآوردند. زمانیکه آهی خود را در مقابل اتحاد

## بنی صدر در مقابل حقوق خلقها

دارد، بلکه در چارچوب یک خودمختاری در محدوده ایران و محدود مکرراتیک عملی است فقط و فقط این اتحاد است که منافع واقعی خلقها را منعکس می‌کند ... (بمنقل از بیگانه‌ها شماره ۱۰۱)

مانند انتظار رندایم آقای بنی صدر که این روزها غرق در رویای شیرین ریاست جمهوری است، خواست‌های عادلانه و بحق خلقهای قهرمان ایران و مواضع کمونیستها و نیروهای انقلابی را در این زمینه درک کند. بنی صدر هم‌منا به یک بورژوا لیبرال تمام عیار و بی‌عنوان عنصری از هیئت حاکمه که تقسیتی و موضعیتی قابل توجه دارد، همواره از موضع حفظ منافع طبقاتی خود در کل سیستم ضد خلقی حاکم بر کشور حرکت کرده و از این رو طبیعتاً روبروی خلق - های ایران قرار می‌گیرد و بنا بر این عجیب نیست که خواسته‌های خلق کرد و دیگر خلقهای ایران و مواضع کمونیستها در مورد سلطه خلقها را تجزیه طلبی بنا مد.

از سوی دیگر این نکته روشن می‌سازد که وقتی بنی صدر در نطق‌های انتخاباتی اش سخن از آزادی و برابری ملیت‌ها می‌راند و واقعیت امر فریبی بیش نیست، چطور ممکن است مقاومت مسلحانه و قهرمانانه خلق کرد بر علیه جناب‌ات و تجاوات رژیم جمهوری اسلامی را اعمال زور در برابر رژیم می‌کند که بقصد ایشان خواهان برابری ملیت‌هاست تا می‌داند معتقد به آزادی و برابری ملیت‌ها نیز نبود. چطور ممکن است در برابر اقدامات جنایت‌کارانه و جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی در برابر خلقهای کرد و عرب و ... سکوت کرد و تا شد نمود و به ضرورت حفظ وحدت و همبستگی ملیت‌ها نیز اعتقاد داشت؟ آقای بنی صدر که خود از سرمداران مجلس خبرگان و از دست‌اندرکاران اصلی تدوین قانون اساسی کذایی است (قانونی که حقوق حقه خلقها را زیر پا می‌گذارد، با اصل ولایت فقیه پشت

بایه تمام اصول اولیه دموکراسی میزند و بر طبق آن راه برای سلطه و نفوذ امپریالیسم باقی نگاه داشته می‌شود) امروز می‌تواند با گردن زدن آرزوهای توده‌مؤکرات ما با نه در برابر رودسته حزب جمهوری اسلامی و بایه اصلاح‌ناشد و حمایت از کاذب‌تدبای سازمان مجاهدین خلق، مسعود رجوی صف خود را از مرتجعین حزب جمهوری اسلامی امثال بهشتی و فرسنگ‌تانی کاملاً متمایز جلوه دهد. لیکن

دیری نخواهد شد که در سیرا انقلابی جا معده عمیق - تر شدن بحران‌ها، نقش مزورانه لیبرالیستی از نوع بنی صدر نیز علی‌رغم اختلافاتی که با جناحهای دیگر هیئت حاکمه دارند، برابرتوده‌های وسیع مردم روشن گردد

در سخنانی که اخیراً در محل استادیوم تختی آبادان توسط بنی صدر ایراد شد، وی در آقا زسخنان خود به تجزیه و تحلیل مفهوم ناسیونالیسم در چنان غرب و تحمیل شیوه‌های فکری بر مذهب طی دو قرن اخیر پرداخت و ضمن مقایسه این مفهوم در ارتباط با نظریه مارکس از راه اتحاد زحمتکشان و اتحاد نظام جهانی سوسیالیستی در شوروی اظهار داشت "... ساد برای این در نظر آنها در ایران ترک یک ملیت، بلوچ یک ملیت، فارس یک ملیت و عرب یک ملیت است و این در حال است که ما قرن‌ها با هم زندگی کرده ایم و فرهنگ و زندگی مشترکی داریم. بنی صدر افزود "آنها می‌خواهند بجای اینکه متحدان شیم تجزیه بشویم ..."

(بمنقل از روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۲۹۹). بنی صدر همچنین در نطق رادیو - تلویزیونی خود می‌گوید: "... همه با بدای بنی‌ابا تند که نیا بد خود را جازه دهند از طریق اعمال زور چیزی را از دولت بگیرند". نقل قولهای بالا بحد کافی استنباط جناب بنی صدر را از خواسته‌های حق طلبانه و عادلانه خلق کرد و مواضع نیروهای کمونیست و انقلابی در این باره نشان می‌دهد. آنچه که از نظری تجزیه طلبی شمرده می‌شود، از نظر ما، تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی در واقع اتحاد آزادانه، دموکراتیک و از روی میل خلقهای ایران است. ما و تمام آنها که از حقوق حقه خلقی دلاور کرد و سایر خلقهای ایران پشتیبانی می‌کنند، بارها اعلام داشته ایم که "مبارزات دموکراتیک و فدا مپریالیستی سراسر خلقهای ایران، بطور ارگانیک بهم گره خورده، گالند و احدی را ساخته است ... ایران آزاد (مستقل) و دموکراتیک که از آزادانه و آزادی می‌بخشد خلقهای ایران تشکیل شده با شدت در صورت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن است ... فقط و فقط بدین نحو است که خلقها امکان می‌یابند خود را از چارچوب تنگ ناسیونالیسم که از طرف بورژوازی، خرده بورژوازی و حتی فئودالیها تبلیغ می‌شود، خلاصی دهند. چه در غیر این صورت مبارزات فساد - کارانه و دلاورانه خلقهای ایران در خدمت منافع تجزیه طلبانه و استعمارگرانه فئودالیها و ... قرار گرفته، حربه‌های آنان را در متوقف ساختن انقلاب کاری ترمی سازد. جدائی کامل بهیچوجه بتفخ خلقهای ایران نبوده، هیچگونه کمک به تحقیق خواسته‌های ملی، بهبودی شرایط زندگی و پایان دادن به ظلم و ستمگری نمی‌کند. منافع ملیت‌های مختلف ایران نه در جدائی کامل و نه در اطاعت اجباری از مرکز است که عمدتاً در دست فارس قرار

واراده استوارتان بیچاره دید، بی شرمانه دعا می‌کرد که خودش قصد تقسیم آنرا داشت. آهی زانو - مفت بخاطر اینکه یک صدهکتا دیگر از زمین‌های این از دستش خارج نشود، از این حیل‌ها استفاده می‌کند. اما شما با بدای یک اقدام انقلابی دیگر، این حیل‌ها را هم خنثی کرده و با رد دیگر مضمم تر و آگاهانه‌تر با اتحاد دهمبستگی تان تمامی زمین‌های این مفت - خور را به تصرف خود درآوردید. بی شک این اقدام انقلابی تان مورد حمایت تمام زحمتکشان شهری و روستا و نیروهای انقلابی راستین بوده و خواهد

بود. چنین مبارزاتی هیچگاه از مبارزه مشترک شما می‌کارگران، دهقانان و خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا نبوده و نخواهد بود.

آنچه در فوق نقل نمودیم، قسمت‌هایی از متن اعلامیه حوزه ما زندان ساژمان است که در ارتباط با تصرف اراضی متعلق بیکی از فئودالیها توسط دهقانان ساژمان و روستای "ارمکلا" در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۴ انتشار یافته است.



که با مقامت بحق کارکنان مربوطه روبرو شد، و سرانجام با عت عقب نشینی مسئولین گردید، نشانه ای است از عدم درک آنها از ابتدائی ترین احساسات انسانی این کارکنان، آنهم در شرایطی که ۱۲۸ تن از هموطنان و همکاران خود را ز دست داده اند.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

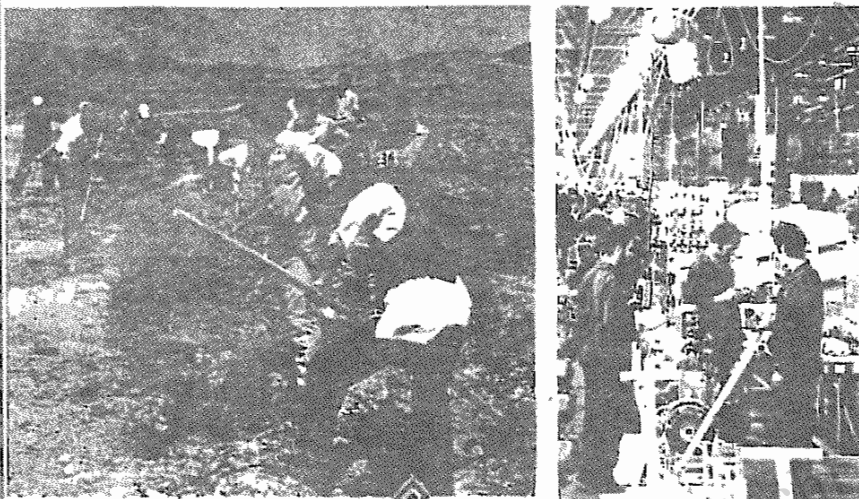
۵۸/۱۱/۳

### تسلیمیت به خلق و کارکنان هواپیمائی ایران و بازماندگان کشته شدگان حادثه هواپیما

مردم هستیم. ما همچنین لازم می دانیم یاد آوری کنیم که بی توجهی مسئولان اموری به وضع روحی کارکنان هواپیمائی ملی ایران، و اصرار آنان که آنها مبروای زهای معمولی در روز سانس ۵۸ / ۱۱ / ۲

با کمال تاسف بر خورد هواپیمائی که از مشهد عازم تهران بود، به کوهپایه ای لاسکرک منجر به کشته شدن ۱۲۸ تن از هموطنان ما گردید. ما ضمن تسلیمیت به خلق ایران و بازماندگان و کارکنان هواپیمائی ملی ایران که در این سانحه جانگداز زنده ای از همکاران خود را از دست داده اند خواهان رسیدگی فوری به علت این حادثه و اعلام صریح آن به پیشگاه

## خلق می خواهد بداند...



تلیغیات ریاست جمهوری با پول زحمتکشان : میلیون ها تومان پول به سبک کشوره ای سرمایه داری و از دسترنج زحمتکشان برای فریب توده ها خرج شد .

آنها ادعا میکنند که "اسلام" مورد اعدایان با سرمایه داری فرقی ندارد آنها وعده عدالت اقتصادی و احتیاجی و سیاسی بدخلق میدهند اما اینک در تجربه ای دیگر خلق ما درمی یابند که پشت این ادعا ها چه خوابیده است. در جریان همین انتخابات ریاست جمهوری اسن مدعیان "سراسری" اسلامی و اسن زاهدان ریائی نشان دادند که با وجود حرفه ای های ضد فریبی تا چه حد مقلد غرب هستند! و تا چه اندازه بیرو شیوه ها و الگوهای سرمایه داری جهانی. در جریان انتخابات زحمتکشان آگاه ما شاهد بودند که چگونه میلیونها پوستر و تراکت و پلاکار در رنگارنگ و ... برای فریب و دروغگوئی چاپ و منتشر گردید. و چگونه دهها میلیون تومان دسترنج زحمتکشان صرف رقابت بسن این آقایان گردید. از بیس کا ندیدها تا تیسما رمدنی، جلال الدین فارسی، حبیبی و سنی صدر بیش از همه خرج کردند و اکنون برای اینکه با این ارقام هتکفت خرج شده آشنا گردیم، هزینه انتخاباتی یکی از اسن آقایان را ملاحظه میکنم . جلال الدین فارسی برای تبلیغات کذائی خود، ۲۵ میلیون تومان خرج کرد (۱) و اسن تازه در حالی بود که او و سرتا کما ماند و بدلیل "ایرانی الاصل" نبودن از دور خارج گردید. اما نه تیسما رمدنی و نه حبیبی هیچکدام کمتر از او خرج نکردند. حال ببینیم با همین ۲۵ میلیون تومان بولی که فقط یک کا ندید خرج کرده است چه میشد کرد؟

**با این پول می شد به ۱۲۳۶ خانواده کارگران بیکار سه مدت یکسال ماهیانه ۱۲۰۰ تومان بیمه بیکاری برداخت کرد و بدین ترتیب حدود ۸۶۸۰ نفر را ناله کارگران را که با فقر و تنگدستی روبرو هستند بدمت یکسال از خطر گرسنگی نجات داد.**

**با این پول می شد به ۲۷۷۷ خانواده کارگران بیکار که دولت و شورای انقلاب وام بیکاری ماهیانه ۷۵۰ تومان آنها را هم قطع کرد بدمت یکسال دیگر وام داد.**

**با این پول می شد به ۵۰ بیمارستان کوچک با هزینه هر بیمارستان ۵۰۰ هزار تومان در روستا های کشور مان ساخت و جان زحمتکشان روستائی را نجات داد.**

**با این پول می شد ۱۲۵ خانه نسبتاً مناسب برای زحمتکشان بی مسکن تهیه کرد.**

**با این پول می شد ۲۵ مدرسه کوچک با خودیاری دهقانان در روستا های کشور ساخت و بدین ترتیب برای کودکان و نوجوانان ۱۲۵ روستا که مجبورند در سرما و گرما در زیر بارش در درس بخوانند و یا اجباراً ترک تحصیل کنند، محل مناسب فراهم کرد. با این پول می شد ...**

و اکنون خلق می خواهد بداند این بولها برای آقایان فارسی، مدنی، سنی صدر، حبیبی و ... از کجا آمده و چرا چنین خرج شده است!؟

(۱) - شیخ علی نهرانی در نامه اش به آیت الله خمینی در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ خرج انتخاباتی جلال فارسی را مبلغ ۲۵ تومان ذکر کرده است و سراسر اسن اطلاعات ما اسن مبلغ ۲۵ میلیون تومان است .

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست